کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۱۲۱۲، ۲۵ تیر ۱۴۰۳

دورهٔ دهم، سال چهل

اطلاعیهٔ حزب تودهٔ ایران: مانورهای رژیم ولایت فقیه و جابه‌جایی مهره‌ها برای حفظ حاکمیت استبداد

هم‌میهنان گرامی!

نمایش انتخاباتی انتخاب ریاست‌جمهوری که حاکمیت مترصد بود از آن حماسه‌ای در تأیید رژیم ولایت فقیه رقم بزند با تحریم اکثریت مردم میهن ما به‌پایان رسید. حتی بر اساس آمار رسمی رژیم، در شماری از شهرهای بزرگ کشور از جمله تهران، میزان شرکت رأی دهندگان به‌زحمت به بیش از ۳۰ درصد بالغ شد (به گزارش ایسنا، رئیس ستاد انتخابات استان تهران گفت: تعداد واجدان شرایط برای

ادامه در صفحه ۷

متحد و یکپارچه حکم غیرانسانی اعدام شریفهٔ محمدی را محکوم کنیم!

شریفهٔ محمدی آزاد باید گردد!

در حرکتی غیرانسانی، شعبهٔ ۱ دادگاه انقلاب رشت شریفهٔ محمدی، فعال کارگری و محیط زیست، را به‌دلیل شرکت در یک تشکل کارگری به اعدام محکوم کرده است. پس از انتشار خبر صدور این حکم، موج وسیع ابراز همبستگی با شریفهٔ محمدی و محکوم کردن صدور این حکم در بین تشکل‌های کارگری و صنفی و نیز فعالان صنفی را شاهد بودیم. در بیانیهٔ "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران" آمده است: "پس از ماه‌ها حبس ناعادلانه و اعمال انواع شکنجه، پرونده‌سازی در غیاب دادرسی عادلانه،

ادامه در صفحه ۵

برگماری رئیس‌جمهور مورد نظر دیکتاتور و تأثیر آن بر تحولات پُرخطر آینده

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، کارزار پرهیاهوی نمایش انتخاباتی برای به پیروزی رساندن مسعود پزشکیان در مقام رئیس‌جمهور "اصلاح طلب و مستقل" حتی در ظاهر و کوتاه‌مدت هم نتوانست "وحدت" مورد نظر خامنه‌ای برای "حفظ نظام" را ایجاد کند. برخلاف ظاهر امر و اخبار تبلیغاتی و نظریه‌پردازی‌های طیف وسیع تحلیلگران دل‌بسته به جمهوری اسلامی، کل "نظام" در عرصه‌های داخلی و خارجی وضع وخیم‌تری پیدا کرده است.

همچنین، به‌رغم تلاش وسیع همهٔ جناح‌ها و دخالت مستقیم "رهبری" برای به‌کارگیری حداکثر امکانات رسانه‌یی و مادّی و تبلیغاتی حکومتی برای پرشور کردن انتخابات، این نمایش انتخاباتی بی‌رمق‌ترین "انتخابات" پس از انقلاب ۵۷ شد که نمایانگر واقعیت‌های عینی مهمی است. برای مثال، مشخص شد که کل آرای اصلاح‌طلبان و مجموعهٔ اصول‌گرایان چقدر سقوط کرده است و اینکه

ادامه در صفحه ۶

گسترش همبستگی بین‌المللی جنبش کارگری، حزب‌های کمونیست، و سندیکاهای کارگری جهان با اعتصاب کارگران پروژه‌یی در صنایع نفت و گاز و مجتمع‌های صنعتی ایران

ادامه در صفحات ۸ تا ۱۱

پیروزی خیزش ملی سی‌ام تیرماه ۱۳۳۱، دستاوردِ نبرد و اتحاد نیروهای ملی و آزادی‌خواه! ص ۲
اعتراض سینماگران ایران به تبعیض، سرکوب، و سانسور ص ۴
برگزاری موفقیت‌آمیز سی‌ودومین کنگره حزب کمونیست آمریکا ص ۱۱
افول «گروه هفت» ص ۱۲
شکست سنگین انتخاباتی محافظه کاران در بریتانیا ص ۱۴
«جبههٔ متحد نوین »چپ فرانسه ماکرون را برای کسب قدرت به چالش می‌کشد! ص ۱۶

ضمیمهٔ کارگری «نامهٔ مردم»، شمارهٔ ۸۷ منتشر شد!

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک!

پیروزی خیزش ملی سی‌ام تیرماه ۱۳۳۱، دستاوردِ نبرد و اتحاد نیروهای ملی و آزادی‌خواه!

روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ در تاریخ مبارزات مردم غیور میهن‌مان ایران روزی است جاودانه وجایگاه ویژه‌ای را برای خود کسب کرده است.

در این روز مردم با قیام خود توطئهٔ دربار، ارتجاع داخلی، و امپریالیسم را که درتلاش بودند حق حاکمیت مردم را با تحمیل حکومت احمد قوام پایمال نمایند باطل و خنثی ساختند.

گذری کوتاه بر پیش‌زمینهٔ تاریخی رویدادهای قیام "سیِ تیر"

در آغاز سال ۱۳۳۱ وضع دکتر مصدق "به استحکام سابق" نبود و ترکیب "مجلس هفدهم" (شورای ملی) به‌شدت به زیان او بود. از میان قشرهای اجتماعی‌ای که پایگاه مصدق بودند صداهای مخالف شنیده می‌شد. همچنین محافل آمریکائی با صراحت روزافزونی عدم رضایت خود را از روش مصدق اعلام می‌داشتند، از جمله درمسئله بسیار مهم و حساسی نظیر" کمک" اقتصادی [آمریکا] که مصدق به آن امید بسته بود.

مجلس هفدهم در اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۱ رسماً در روزی افتتاح شد که در تهران حکومت نظامی اعلام شده بود ودربار پهلوی از این فرصت برای تقویت مواضع خود استفاده می‌کرد. در چنین جَوّی مجلس هفدهم از همان ابتدا بالقوه آمادگی داشت جانشین برای مصدق پیدا کند. ولی محافل امپریالیستی هنوز موقع را مناسب نمی دانستند وخواهان آن بودند که مصدق منفردتر شود. "ایدن"، وزیر امور خارجه وقت انگلیس، می‌گفت "عجله کار شیطان است"۱. مصدق برای جلب افکار عمومی و تحکیم موقعیت خویش، شخصاً روز هفتم خردادماه ۱۳۳۱ روانه لاهه شد تا از حقوق مردم ایران [در مورد مسائل ملی شدن نفت] دفاع کند و قریب یک ماه از کشور دور بود.

در این مدت آرایش نیروهای داخلی مجلس‌های "شورای ملی" و "سنا" به زیان مصدق و نهضت ملی ایران به‌پایان رسیده و شرایط برای مقابله با دولت ملی مصدق فراهم شده بود. این امر در جریان انتخاب رئیس مجلس نمایان شد. درنتیجه "امامی"، نامزد دربار، در برابر دکتر "شایگان"، نمایندهٔ جبهه ملی، برنده شد. نتیجه آرای مجلس در انتخاب رئیس مجلس به دربار امید می‌داد که می‌تواند با رأی پارلمان و به‌طور" قانونی" مصدق را بردارد و فرد دیگری را به‌جای او بنشاند.

روز ۱۴ تیرماه ۱۳۳۱ مصدق پس از اعلام آمادگی مجلس به‌آغاز کار دوره تازه‌اش، طبق سنن پارلمانی، استعفا داد. در این بین معلوم شد در مجلس شورا و به‌ویژه در مجلس سنا- مجلسی که شاه آن را از عوامل انگلیس و آمریکا پُر کرده بود- جبهه محکمی از مخالفان مصدق وجود دارد. با این حال، مصدق روز ۱۹ تیرماه مقام نخست‌وزیری را پذیرفت و سه روز بعد تقاضا کرد وزیر جنگ کابینه را خودش تعیین کند و همچنین چه در بخش قانونگذاری و چه در بخش اجرائی خواستار اختیارات قانونی شد.

شاه (محمدرضا پهلوی) این پیشنهاد و خواست قانونی دکتر مصدق برای واگذاری پست وزارت جنگ به دولت را نپذیرفت و برکنترل شخص خودش بر ارتش و نیروهای نظامی پافشاری کرد. مصدق در برابر اصرار شاه که ضد قانون بود، استعفا داد. وابستگان به انگلستان و آمریکا و در رأس آنان شاه و دربار، احمد قوام این عامل بیگانه، ضد مردمی، و ضد ملی را مأمور تشکیل کابینه کردند.

قوام که شاه فرمان نخست‌وزیری‌اش را صادر کرده بود، اعلامیهٔ تند و گستاخانه‌ای برضد مردم نوشت و در آن اعلام کرد: "کشتی‌بان را سیاستی دگرآمد"۲ و با تکیه بر پشتیبانی ارتجاع داخلی و انگلستان مردم را با شدیدترین لحنی مورد تهدید قرار داده و ازجمله گفت: "وای به‌حال کسانی که در اقدامات مصلحانه من اخلال نمایند. ... آشوبگران با شدیدترین عکس‌العمل من روبرو خواهند شد. ... ممکن است تا جائی بروم که دست به تشکیل محاکم انقلابی زده، روزی صدها تبهکار را... قرین تیره‌روزی سازم. ..."۳

پیش به‌سوی خیزش "سیِ تیر"

به‌این ترتیب قوام‌السلطنه با این اطمینان روی کار آمد که چون حمایت مراکز قدرت داخلی و خارجی را از خود دارد و با مقاومت چندانی از طرف مردم روبرو نخواهد شد و اگر هم بشود با قدرت آن را خواهد شکست. اما تسلط بر اوضاع برخلاف تصور قوام کار ساده‌ای نبود. پایداری مردم آرام آغاز شد. در روزهای ۲۶ تا ۲۸ تیرماه در تهران و برخی شهرها بخشی از بازار و دکان‌ها تعطیل شدند. درقبال این وضع، حزب تودهٔ ایران و جبههٔ ملی ایران با وجود تلاش‌های تفرقه‌افکنانه بخشی از نیروها، در کنار و دوشادوش یکدیگر دست به تظاهرات گسترده و مبارزه‌ای زدند که در تاریخ میهن ما تا آن زمان بی‌نظیر بود.

مقاومت در برابر دولت غیرقانونی قوام به یک نبرد وسیع ملی با خصلت ضد استبدادی و ضد امپریالیستی بدل گردید. ابتدا کارگران دلاور صنعت نفت در آبادان زیر پرچم حزب تودهٔ ایران پا به میدان مبارزه گذاشتند و در روز ۲۹ تیرماه ۱۳۳۱، زمانی که موضع قاطع حزب تودهٔ ایران در دفاع از مصدق اعلام شد، نفتگران در آبادان اعتصاب کرده و این شهر شاهد تظاهرات وسیعی بود. پلیس و نیروهای نظامی به سوی کارگران و مردم آتش گشودند و تعدای را کشته و زخمی کردند. در تهران نیز در همین زمان کارخانه‌ها در پاسخ به فراخوان حزب تودهٔ ایران به خیابان‌ها آمدند، بازار و دکان‌های شهر با هدایت جبههٔ ملی اعلام تعطیلی کردند. اولین اعتصاب‌ها و تظاهرات از کارخانه‌های سیمان تهران، دخانیات، سیلو، چیت سازی، و راه‌آهن آغاز شد. دانشجویان و جوانان نیز با وجود حضور گسترده مأموران نظامی سرکوبگر احمد قوام، با اعلام راه‌پیمایی به‌سوی مجلس به صف مبارزه پیوستند. آنان در صف‌های فشرده و با شعارهای "زنده‌باد مصدق"، "مرگ برقوام"، "مرگ بر استبداد"، "دست شاه از دخالت در امور کشور کوتاه" درخیابان‌ها به‌حرکت درآمدند. همچنین از میدان توپخانه جمعیت عظیمی از مردم که از کارگران کارخانجات و صنایع تهران و حومه متشکل بودند، به‌سوی مجلس حرکت کردند. بر این پایه وحدت بی‌نظیری میان همه نیروهای

ادامه در صفحه ۳

ادامهٔ پیروزی خیزش ملی سی‌ام ...

میهن‌دوست، حزب تودهٔ ایران، و جبههٔ ملی ایجاد شده بود و راز پیروزی این خیزش ملی در سیِ تیر نیز همین اتحادِ عمل بود.

خیزش عظیم و متحد سی تیر با وجود حمله نیروهای نظامی و جان باختن و مجروح شدن تعداد کثیری از شرکت کنندگان فضای سیاسی ای را پدید آورد که دربار و حامیان آمریکایی و انگلیسی آن مجبور به عقب‌نشینی شدند.

ساعت ۵ عصر سیِ تیر، رادیو خبر استعفای احمد قوام را پخش کرد. به‌این ترتیب خیزش ملی به پیروزی رسید و دکتر محمد مصدق با رأی و اراده مردم مجدداً به نخست‌وزیری برگزیده شد. یک روز بعد، در سی‌ویکم تیرماه، خبر رأی دادگاه لاهه به تهران رسید، خبری که بر طبق آن این دادگاه به‌نفع ایران رأی داده و عدم صلاحیت این دادگاه برای رسیدگی به اختلاف دولت ایران و شرکت سابق نفت انگلیس و ایران را اعلام کرد.

قیام ملی سیِ تیر تجربه ارزشمندی در تاریخ مبارزات مردم میهن ما بود و نشان داد که اتحاد همه نیروهای میهن‌دوست، ضد استبداد، و دموکرات می‌تواند توطئه‌های ارتجاع را با شکست روبه‌رو کند. این تجربه امروز نیز ثمربخش بودنش را حفظ کرده و درس اتحادِ عمل را به ما می‌دهد!

خیزش ملی "سیِ تیر"، تجربه‌ای برای امروز

اگر ۷۲ سال پیش دربار و احمد قوام حق حاکمیت ملی و اراده مردم در تعیین سرنوشت‌شان را نادیده گرفتند و خودشان را مقبول و مشروع می‌دانستند، امروز نیز ولایت فقیه، سپاه پاسداران، ودولت‌های ضد مردمی از پیش تعیین شده و گماشته‌شان برخلاف تبلیغات سراسر دروغ خامنه‌ای، سران حکومت، و آمارهای ساختگی‌شان، میهن ما ایران را در وضعیتی بسیار بحرانی از لحاظ سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی قرار داده‌اند. رژیم کنونی با عمده کردن "خطرخارجی" و به‌راه انداختن کارزارهای انتخاباتی‌ای نمایشی و مختلف، کارزارهای نمایشی‌ای که شکست‌شان پایه‌های متزلزل رژیم را پی در پی به‌لرزه درآورده‌اند، تلاش دارد افکار عمومی را از وضعیت بحرانی روز کشور دور سازد.

ازسوی دیگر هستند جریان‌ها و نظریه‌پردازانی که زیر انواع پوشش‌های فریبکارانه از جمله "اپوزیسیون" و "چپ ضدامپریالیست" واقعیتِ امر مبارزه برای گذار از دیکتاتوری حاکم بر ایران و برقراری عدالت برای طبقه کارگر و زحمتکشان را مبارزه‌ای فرعی در کنار مبارزه ضد امپریالیستی می‌دانند. این جریان‌ها عملاً به دیکتاتوری حاکم خدمت می‌کنند. حکومت جمهوری اسلامی ماهیتی ضدامپریالیستی نداشته و ندارد. به‌نظر ما، مبارزه ضد دیکتاتوری برای آزادی و عدالت از یک طرف و مبارزه با سیاست‌های امپریالیستی و مداخلهٔ خارجی برای دفاع از حاکمیت ملی در یک پیوند دیالکتیکی بوده و لازم و ملزوم یکدیگرند. یکی بدون دیگری عملی نیست و پیروز نخواهد شد. مردم ما مدت‌هاست از این حکومت ضد مردمی که نتیجهٔ دهه‌ها حکمرانی‌اش فقر، فساد، ظلم، محرومیت برای مردم همراه با غارت منابع ملی ایران بوده است عبورکرده‌اند و حرکت به‌سوی آینده‌ای رها از این حکومت ستمگر را خواهان هستند. حزب تودهٔ ایران همان‌طور که در آخرین اطلاعیه‌هایش تأکید کرده است، معتقد است شکاف عمیق و گسترده موجود بین اکثر قشرهای جامعه و دیکتاتوری حاکم ترمیم‌شدنی نیست. بخش عمده جامعه به‌ویژه طبقه کارگر و دیگر لایه‌های زحمتکشان، و همچنین زنان، جوانان و دانشجویان دگرگونی‌های بنیادی در جامعه و گذار از این رژیم استبدادی را خواهان‌اند. جمهوری اسلامی در بحران شدید غوطه ور است و روند فروپاشی را طی می کند. با درس گرفتن از تجربهٔ تاریخی مبارزات مردم میهن‌مان و با تشدید مبارزه مشترک و متحد همه نیروهای ملی و آزادی‌خواه کشور می‌توان به سوی پایان دادن به حکومت دیکتاتوری و استقرار حکومتی ملی و دموکراتیک حرکت کرد.

---

۱. کتاب "خاطرات ایدن"، ترجمهٔ کاوه دهگان، تهران، نشر اندیشه، صفحه ۲۹۱.

۲ و ۳. "خاطرات حسن ارسنجانی"، مجلهٔ "خواندنیها"، شمارهٔ ۸۷، ۳۰ تیرماه ۱۳۴۱ (برگرفته از کتاب "تجربهٔ ۲۸ مرداد"، نوشتهٔ ف. م. جوانشیر، انتشارات حزب تودهٔ ایران، چاپ اول سال ۱۳۵۹، تهران.

ادامهٔ برگماری رئیس‌جمهور مورد نظر

این برنامه‌های نولیبرالی یا به‌اصطلاح "جراحی اقتصادی" دردناک و تحمیل ریاضت‌کشی به مردم، که در سه دههٔ گذشته در چهارچوب "سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از سوی رهبر" اجرا شده است، به زندگی بخش اعظم جامعه و به‌ویژه زحمتکشان آسیب زده است و آنها را به‌حق ناراضی کرده است. یکی از دلایل اصلی تحریم وسیع انتخابات نمایشی در چند سال گذشته و آرای اندک پزشکیان در نمایش انتخاباتی اخیر همین نبود چشم‌انداز برای بهبود وضع کار و زندگی فلاکت‌بار اکثریت مردم، یعنی طبقهٔ کارگر و دیگر زحمتکشان بود.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز عرصهٔ دیگری است که کاملاً در چهارچوب تصمیم‌های "رهبری" مدیریت می‌شود. حزب ما همواره تأکید کرده است که برخلاف رجزخوانی‌های معمول خامنه‌ای، او دیر یا زود باید به نرمش قهرمانانهٔ دیگری در سیاست خارجی تن در دهد. طلیعهٔ این نرمش در لحن کاملاً متفاوت مقالهٔ مسعود پزشکیان در روز ۲۲ تیر در روزنامهٔ انگلیسی‌زبان "تهران تایمز"، چاپ جمهوری اسلامی ایران، دیده می‌شود. در این مقاله با عنوان "پیام من به جهان جدید"، حکومت ولایی از زبان رئیس‌جمهور تازه‌برگمارده، و شاید بهتر است بگوییم از زبان جواد ظریف، با درماندگی خواهان رسیدن به تفاهم با آمریکا و اروپا شده است.

از سوی دیگر، نامهٔ پزشکیان به سیدحسن نصرالله، رهبر حزب‌الله لبنان، و تأکید او بر "حمایت پرقدرت" حکومت ولایی از "مقاومت اسلامی" در تناقض با لحن او در پیام به اتحادیهٔ اروپا و آمریکا در "تهران تایمز" است. در آن مقاله، او نه‌تنها هیچ اشاره‌ای به حمایت از جریان‌های "مقاومت اسلامی" نکرده، بلکه به‌تلویح موضوع توقف عملیات برون‌مرزی نیروی سپاه قدس را نیز مطرح کرده است! سیاست خارجی ضدّ منافع ملی که "رهبری" دیکته می‌کند عرصهٔ دیگری از تضاد بین خواست‌های مردم و حکومت است که تناقض در گفتار و عملکرد پزشکیان آن را بیش از پیش به نمایش می‌گذارد.

دورهٔ ریاست‌جمهوری پزشکیان نیز پس از اُفت‌وخیزهای همیشگی و تغییرهای شکلی و ظاهری برای بزک کردن دیکتاتوری حاکم و اقتصاد سیاسی ناعادلانه‌اش در نهایت به‌دلیل ناتوانایی دولت در حل اَبَربحران‌ها به نفع اکثریت مردم و سوگیری قوهٔ اجرایی برای "حفظ نظام" در زیر تابلوی "اصلاح‌طلبی" کاری اساسی از پیش نخواهد برد.

در نبود بدیل سیاسی مترقی و مردمی و ادامهٔ ضعف کنونی در سازمان‌دهی جنبش مردمی، و با توجه به مرگ دیر یا زود خامنه‌ای، خطر ظهور و قدرت‌گیری نیروهای راست افراطی از درون دیکتاتوری دینی حاکم و عجین شدن آنها با جریان‌های افراطی ناسیونالیستی و فاشیستی در اپوزیسیون جعلی خارج از کشور وجود دارد.

حزب تودهٔ ایران معتقد است که با توجه به اوضاع مشخص کشور و جهان و خطر افزایش تنش‌های نظامی در منطقه، فقط نیروهای چپ و ترقی‌خواه ملی قادرند که با سازمان‌دهی مؤثر جنبش مردمی، ضمن دفاع از صلح، مبارزهٔ جاری برای برچیدن دیکتاتوری ولایی را به سرانجام رسانند و از خطر ظهور "فاشیسم ایرانی" نیز جلوگیری کنند.

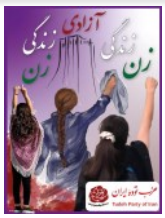

گزارش هایی از پیکار و زندگی مردم

آزاد سازی نرخ‌گذاری برای قیمت بلیت هواپیما، و پایمال‌شدن امنیت شغلی کارکنان خطوط هوایی

پس از کشمکش شش ماهه میان وزارت راه و شهرسازی و دیوان عدالت اداری، نهایتاً هیئت تخصصی این دیوان با تأیید حکم هیئت عمومی با استناد به برنامه پنجم، رأی به آزاد سازی قیمت‌های بلیت هواپیما برای پروازهای داخلی داد. قیمت بلیت پروازهای خارجی قبلاً به شکل آزاد تعیین می‌شده است. بر اساس گفته‌های بذرپاش، وزیر راه و شهر سازی، در ظرف چند روز بعد از آزاد سازی، قیمت پروازهای داخلی رشد جدی داشته است.

اختلافات میان وزارت راه و شهرسازی و شرکت‌های هواپیمایی، نه بر سر حمایت از مصرف کنندگان، آن‌طور که بذرپاش می‌خواهد وانمود کند، بلکه از تضاد منافع لایه‌های قدرت و ثروت در درون و پیرامون رژیم و نیز نیاز حکومت برای کنترل و مهار بحران‌ها ناشی می‌شود. بنا به اظهارات بذرپاش، دولت همیشه در جهت تأمین منافع شرکت‌های هواپیمایی عمل کرده است. اختصاص بنزین یارانه‌ای لیتری ۶۰۰ تومان (تقریباً یک سوم قیمت بنزین سهمیه‌ای) برای مصرف سوخت هواپیماها، دادن تسهیلات و کمک به شرکت‌ها در رابطه با بدهی‌های‌شان به فرودگاه‌ها، و کمک برای تهیه قطعات، نمونه خدماتی است که دولت در اختیار این شرکت‌ها قرار داده است (خبرگزاری آریا، ۱۷ بهمن ۱۴۰۲). لازم به گفتن است که با تصمیم دولت، قیمت بلیت پروازهای داخلی در خرداد سال گذشته ۲۹ درصد افزایش پیدا کرده بود.

از سویی دیگر نگاهی به سوابق و موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی مالکان اکثر شرکت‌های هواپیمایی متشکل در انجمن شرکت‌های هواپیمایی ایران، و نیز عضویت این انجمن در اتاق بازرگانی، تصویر روشن‌تری از ماهیت اختلافات دولت و این شرکت‌ها را نشان می‌دهد. به‌عنوان نمونه، عبدالرضا موسوی، مالک و مدیرعامل شرکت هواپیمایی زاگرس، مالک قبلی گروه فولاد اهواز و باشگاه استقلال اهواز، و هم‌اکنون مالک هتل داریوش، هتل‌های لاله، پارک دلفین، و باغ پرندگان کیش است. موسوی رئیس انجمن شرکت‌های هواپیمایی است. سید محمد میرسمیعی، از فرماندهان نیروی هوایی ارتش، مدیرعامل شرکت هواپیمایی خصوصی معراج است. میرسمیعی نایب رئیس انجمن شرکت‌های هواپیمایی است. علی‌اکبر درویشی، مالک شرکت هواپیمایی سپهران فرزند علی درویشی است. علی‌اکبر درویشی عضو هیئت مدیره و خزانه‌دار انجمن شرکت‌های هواپیمایی است. ترکیب انجمن شرکت‌های هواپیمایی و عملکرد آن، سلطه کلان سرمایه‌داران و رانت‌خواران بر بخش مهمی از خدمات حمل‌ونقل کشور را نشان می‌دهد.

کارنامهٔ سیاه حکومت جمهوری اسلامی در حوزهٔ آموزش: نظام آموزشی کشور هرچه بیشتر طبقاتی می‌شود

در جریان برگزاری نمایش انتخاباتی و به‌پایان رسیدن کار دولت سیزدهم، کارگزاران این دولت هم برای ارائه کارنامه‌ای "درخشان" از اقدامات خود به‌منظور تشویق مردم به شرکت در نمایش رسوای رژیم و هم برای مصونیت پیدا کردن در مقابل انتقادهای کمافی‌سابق از سوی دولت بعدی، به‌تکاپو افتاده بودند. صحرایی، وزیر مرتجع آموزش و پرورش، سعی کرد تا از این قافله جا نماند. بنابراین وزارت آموزش و پرورش با صدور بیانیه‌ای ضمن دعوت از مردم برای شرکت در نمایش انتخاباتی رژیم "میراث شگفت‌آور و کم‌نظیر" دولت رئیسی در حوزه آموزش را این‌گونه جمع‌بندی کرد: "در دولت آیت‌الله رئیسی، بن‌بست‌های ناشی از دوگانه‌های کاذبی چون تأمین معلم یا تربیت معلم، سند تحول بنیادین یا سند ۲۰۳۰، خصوصی سازی آموزش و پرورش یا عدالت آموزشی... شکسته شد و آموزش و پرورش در مسیری جدید قرار گرفت که حرکت در جهت ارتقاء شأن و منزلت معلمان، احیای فعالیت‌ها و معاونت پرورشی، اجرایی سازی سند تحول و ده‌ها اتفاق امید آفرین از جمله ثمرات اولیه آن است" (افکار نیوز، ۷ تیرماه ۱۴۰۳).

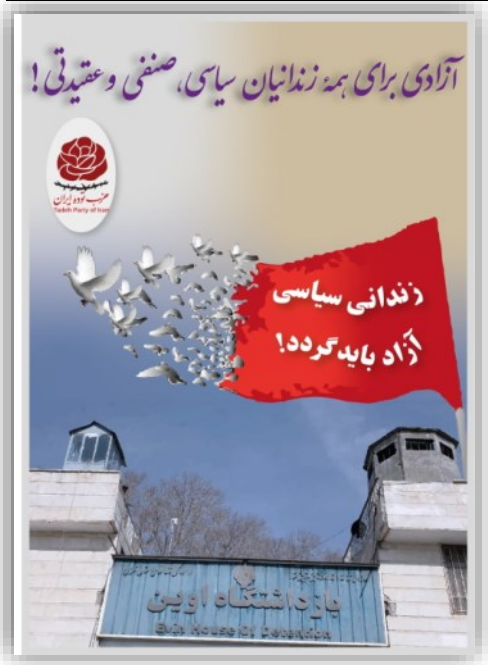

کمبود هزاران معلم، اخراج، انفصال از خدمت، تهمت، توهین و تحقیر، ضرب و شتم، شلاق زدن، و زندانی کردن معلمان آگاه و دلسوز، اخراج مدیران متعهد، امنیتی کردن فضای مدارس، تشدید سیاست خصوصی سازی و کالایی کردن آموزش، افزایش هزینه‌های تحصیلی و گرفتن شهریه در ثبت نام در مدارس دولتی، موجبات بازماندگی صدها هزار کودک از تحصیل، کمبود فضای آموزشی و استفاده از کپرها و کانکس‌ها به‌جای کلاس درس، وجود هزاران کلاس درس نیمه‌ویران و ناایمن به‌ویژه در مناطق محروم، ، سقوط فاحش کیفیت آموزشی، اقدام در جهت حاکم کردن فضای حوزهٔ علمیه‌ای بر مدارس در چارچوب طرح ارتجاعی "امین" و ترویج خرافات مذهبی در مدارس، مسموم کردن دانش‌آموزان دختر، شمه‌ای از "میراث شگفت‌آور و کم‌نظیر" دولت رئیسی در عرصه آموزش و پرورش فرزندان میهن است!

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، سال تحصیلی پیش رو ۱۷۶ هزار معلم کمبود خواهد داشت و تا مهر امسال ۷۲ هزار معلم هم بازنشسته خواهند شد. در چنین شرایطی، اخراج معلمان حق‌طلب همچنان ادامه داشته و دارد. به‌گفته محمد حبیبی، سخنگوی شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان تهران، بسیاری از معلمان تازه استخدام شده، از جمله ده‌ها معلم گیلانی، صرفاً به‌خاطر انتشار پست‌هایی در فضای مجازی از کار اخراج شده‌اند. کارنامه دولت ضد مردمی رئیسی و صحرایی تاریک‌اندیش در حوزه آموزش و پرورش، همچون دیگر حوزه‌های زندگی مردم، کارنامه‌ای سیاه و غیر قابل دفاع است.

اعتراض سینماگران ایران به تبعیض، سرکوب، و سانسور

تأکید بر واگذاری بسیاری از امور هنری به بخش خصوصی از سوی دولت‌های رنگارنگ تحت اوامر ولی فقیه، اجرای سیاست‌های تبعیض‌آمیز، فسادپرور، دادن رانت، اموری که به ساخت فیلم با کیفیت پایین و افزایش بیکاری و خانه‌نشینی تعداد زیادی از فیلم‌سازان با تجربه و قدیمی منجر شده است، وضعیت سینما و معیشت سینماگران میهن را با معضلات و دشواری‌های بی‌شماری روبرو کرده است.

مطالبات به‌حق سینماگران ازجمله شامل تأمین امنیت شغلی، فکری، اجتماعی، حق آزادی بیان، و اندیشه است. رسیدگی به امنیت شغلی سینماگران در زمان سکان‌داری ابراهیم رئیسی در دولت سیزدهم با سکوت معناداری همراه بود. در این برههٔ زمانی نه تنها هیچ برنامه جامعی از طرف سازمان سینمایی در امر تأمین معیشت و رفاه اعضا سینما مشاهده نشد، بلکه ممیزی و به‌وجود آوردن مانع در ساخت و اجازهٔ ساخت فیلم افزایش پیدا کرد. حکومت اسلامی پس از مرگ ابراهیم رئیسی فرمان تعطیلی یک هفته‌ای برنامه‌های هنری و فرهنگی را صادر کرد و با این اقدام نشان داد که مانند گذشته برای هنر و معیشت هنرمندان و سینماگران مردمی پشیزی ارزش قائل نیست.

مدیرکل نظارت بر نمایش فیلم سینمایی در رابطه با عدم توانایی و اراده نداشتن دولتِ گوش به‌فرمانِ رهبری در برابر مطالبات سینماگران چنین اعتراف می‌کند: "در ابتدای دولت سیزدهم با بیش از ۵۰ فیلم توقیفی یا بلاتکلیف مواجه بوده‌ایم که به‌رغم زحماتی که مدیران سینمایی دولت تدبیر و امید کشیده بودند اما موفق به حل و فصل مشکلات و رفع موانع نشدند. چرا که سینما در ذات خود حاشیه‌ها و مسائلی دارد که بالقوه می‌تواند همه ارکان نظام را نسبت به خود حساس کند."

حساسیت حاکمیت نسبت به سینماگران معترض

ادامه در صفحهٔ ۵

ادامهٔ گزارش هایی از پیکار و ...

همیشه با سرکوب، زندان، اجبار به مهاجرت ناخواسته و به‌وجود آوردن انحصار از قشری خاص در سینما همراه بوده است. واقعیت امر این است که اکثر فیلم‌های تولیدی در چند سال اخیر به‌صورت سفارشی از سوی نهادهایی از جمله بنیاد سینمایی فارابی، وزارت ارشاد، مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، وجز این‌ها، ساخته شده است و از ورود نودوپنج درصد سینماگران به عرصه فیلم‌سازی، یا به‌عبارتی فیلم‌سازی انتقادی و اعتراضی، جلوگیری شده است. با افکار پوسیده و عقب‌ماندهٔ مقامات رژیم، هنرمند مردمی قرار نیست حرف جدی و اعتراضی بزند اما می‌تواند شوخی حتی در سطحی پایین و مبتذل هم بکند.

تحمیل هزینه‌های سنگین برای فیلم سازی، گرانی مسکن، معضل بیمه خدمات درمانی و اجتماعی و بازنشستگی با ادامه اجرای نسخه‌های نولیبرالی سرمایه‌داری وضعیت زندگی سینماگران را روز به‌روز دشوارتر و وخیم‌تر کرده است. سینماگران این وخامت وضعیت‌شان را با پوست و گوشت احساس می‌کنند و نسبت به سیاست‌های جاری در این زمینه معترض هستند. آزادی عمل در ساخت فیلم، بدون ممیزی، برای همه سینماگران، همچنین نمایش و معرفی فیلم‌های ایرانی ساخته شده در خارج از کشور- بدون اما و اگر- خواست سینماگران میهن ماست. هنرمند باید بتواند با هنرش اندیشه‌اش را بیان‌کند. سینماگران معترض به وضع موجود می‌گویند بودجه، تصویب فیلمنامه‌ها، پروانه ساخت، شرایط اکران، و به‌طورکلی هنر سینما در انحصار عده‌ای خاص نباید باشد.

خط قرمز نامزدهای ریاست‌جمهوری در میزگرد فرهنگی به‌مناسبت انتخابات نمایشی و فرمایشی اخیر در مناظره‌شان پیرامون فرهنگ و هنر کاملاً آشکار بود. هنر و مطالبات هنرمندان در اولویت نامزدها نبود. آنان به مطالبات اقتصادی و اجتماعی سرکوب شده در چند سال اخیر، به وضعیت سیر قهقرایی کنونی در سینما و سینماگران کشور، به بودجهٔ اندکی که از سوی سازمان برنامه و بودجه به سینما اختصاص داده شده است، به‌هیچ‌وجه اشاره‌ای نکردند و تنها به دادن شعارهایی تو خالی همراه با سوءاستفادهٔ موسمی، خودفروشانه، و فریبکارانه از شان والای فرهنگ و هنر نزد مردم، بسنده کردند.

سینماگران میهن ما به‌علت سرکوب فعالیت‌های هنری، اجتماعی، و فرهنگی، و همچنین به‌دلیل وخیم‌تر شدن وضعیت نیازهای مادی و معنوی توده‌ها، هم‌صدا با جنبش سراسری ضد دیکتاتوری، خواهان تغییر و دگرگونی‌های اساسی به‌سود منافع ملی و مردمی در جامعه ما هستند.

سیاست‌های نابخردانهٔ رژیم در برابر تغییر و دگرگونی‌های اقلیمی و شرایط دهشتناک زحمتکشان

عدم وجود نداشتن برنامه‌های کوتاه مدت و دراز مدت در مقابله با تغییرات اقلیمی به‌دلیل سودجویی‌های کلان‌سرمایه‌داری حاکم و بی‌تدبیری مسئولان اجرائی کشور زندگی برای زحمتکشان خصوصاً در مناطقی از کشورمان که این تغییرات بسیار سریع روی می‌دهند و شدیداً مخرب‌اند بسیار سخت کرده است. یکی از مناطقی که شدیداً در معرض تغییرات اقلیمی قرار دارد استان بسیار محروم سیستان و بلوچستان است. به‌طورمثال، وزش بادهای معروف به ۱۲۰روزه فاجعه‌ای محیط‌زیستی را در این منطقه رقم زده است که سلامت ۴۰۰ هزار نفر از ساکنانش شامل پنج شهرستان هامون، هیرمند، زابل، زهک، و نیمروز را تهدید می‌کند. به‌ویژه در "دسترس نبودن آب و طولانی شدن بازه وزش این بادها"، باعث بیکاری مردم و متروکه شدن روستاها و زمین‌های کشاورزی شده که می‌تواند آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی شدیدی را برای زحمتکشان ساکن این مناطق در پی داشته باشد. استان سیستان و بلوچستان سال‌هاست در معرض تغییرات آب‌وهوایی و طوفان‌های ازپادرآورندهٔ گرد و خاک است و پیش از این نیز درباره اثرات اجتماعی تغییرات اقلیمی از جمله گسترش بیماری و کوچ اجباری ساکنان آن پیش‌بینی‌هایی هولناک شده و چنین اثرهایی نیز پدیدار شده‌اند. اکنون تداوم این بحران‌های آب‌وهوایی سبب شده تا برخی از مناطق این فقیرترین استان ایران از سکنه خالی شود. تجارت نیوز در گزارشی در این خصوص با علیرضا سروری‌نژاد، پژوهشگر آب و خاک، گفت‌وگو کرده و از تهدید سلامت ۴۰۰ هزار نفر، بیکاری گسترده، و متروکه شدن ۲۰۰ روستا بر اثر تغییرات اقلیمی در جنوب شرق ایران خبر داده است.

این گزارش با اشاره به این‌که در روزهای گذشته بادهای ۱۲۰روزه بیش از ۶۰۰ نفر را در منطقه سیستان و بلوچستان راهی بیمارستان کرده، دلایل آن را از قول این کارشناس، "ضعف‌های مدیریتی داخلی، در کنار اقدام افغانستان به ساخت سد روی رودخانه‌ها و قطع حقابه تالاب هامون" عنوان کرده و نوشته چنین وضعیتی منجر به این شده است که وزش بادهای معروف به ۱۲۰روزه در عمل به ۱۸۰ تا ۲۰۰ روز در سال افزایش یابد. بی‌شک بحران محیط زیستی به‌دلیل سیاست‌های خانمان‌سوز اقتصادی و نیز اجتماعی‌ای که به شرایط اقلیمی میهن‌مان توجهی نداشته‌اند به مرحله‌ای وارد شده است که ما هم‌اکنون و نیز در آینده‌ای نزدیک تأثیرهای مشخص آن را در زندگی روزمره مردم در برخی از استان‌های کشورمان شاهد بوده و نیز شاهد خواهیم بود. ازآن‌رو است که رشد و گسترش جنبش‌های طرفداران محیط زیست را در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم و بدون تردید گسترش بیش‌تر آن را به‌دلیل وخیم‌تر شدن شرایط زیست محیطی در قسمت‌های عمده میهن‌مان شاهد خواهیم بود. شرایط عینی ناشی از بحران‌های زیست محیطی از یک طرف و درک و شناخت اکثر مردم میهن‌مان از این که این رژیم نه خواهان بهبود شرایط زیست محیطی است و نه به‌لحاظ ماهیت با توجه به سیاست‌های راهبردی اقتصادی‌اش (نولیبرالیسم) که منافع طبقاتی حاکمان یعنی سرمایه‌داری بزرگ بوروکراتیک و مالی انگلی را در نظر دارد، شرایط ذهنی آماده‌ای برای گسترش جنبش دفاع از محیط زیست را به‌وجود آورده است. فعالان محیط زیست در جهت سازمان دادن این جنبش در ارتباط با سایر جنبش‌ها قرار گرفته و خواست‌های اساسی در حفظ محیط زیست را در کارپایهٔ مشترک با سایر گردان‌های جنبش را می‌باید خواستار باشند.

ادامهٔ متحد و یکپارچه حکم غیرانسانی ...

روز پنجشنبه دادگاه انقلاب رشت شریفهٔ محمدی، فعال کارگری، را به اعدام محکوم نمود. این حکم غیرانسانی برای منکوب کردن فعالان صنفی، مدنی، و سیاسی است. اتهام بغی و محاربه و مفسد فی‌الارض، اتهاماتی واهی است که دستگاه قضایی برای ایجاد رعب و وحشت از آن استفاده می‌کند."

در یکشنبه‌های اعتراضی بازنشستگان نیز شعار "شریفهٔ محمدی آزاد باید گردد" را سر دادند. شریفهٔ محمدی روز ۱۴ آذرماه سال ۱۴۰۲ بازداشت شد و چند ماه در سلول انفرادی نگه داشته شد. این فعال کارگری و مدنی مدت‌هاست که از حق ملاقات با خانواده و تماس تلفنی نیز محروم بوده است. صدور حکم اعدام برای یک فعال کارگری خصوصاً یک زن فقط یک هدف را دنبال می‌کند و آن چیزی نیست جز برانگیختن و گستردن جو رعب و وحشت بین فعالان سندیکائی، صنفی، و مدنی به‌منظور کُند یا متوقف کردن موج رو به گسترش اعتراض‌های زحمتکشان و ممانعت از سازمان‌دهی آن‌ها است. باید در مقابل این حرکت متحد و کوبنده توقف این حکم غیر انسانی و نیز آزادی شریفه و سایر فعالان سندیکائی و مدنی خواهان شد.

سرکوب فعالان صنفی، مدنی، و دانشجویی با گسترش اعتراضات شدیدتر می‌گردد

با ادامهٔ اعتراض‌های بازنشستگان و گسترش اعتصاب‌های کارگران پروژه‌ای، کارگران توسعه فولاد گل‌گهر سیرجان رحیمی و بهرامی دستگیر شدند و برای صدها کارگر اعتصابی پیامک‌های تهدیدآمیز ارسال شد. در همین حال شاهد محاکمهٔ محمد حبیبی، عضو کانون صنفی معلمان، به‌اتهام "تبلیغ علیه نظام" بودیم. در هفتهٔ گذشته اسماعیل گرامی، کارگر بازنشسته، نیز در پی احضاریه به دادسرا مراجعه کرد. در اقدامی دیگر دادگاه انقلاب بوشهر محسن عمرانی، عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان استان بوشهر، را به‌اتهام "تبلیغ علیه نظام" به یک سال زندان محکوم کرد. فعالان دانشجوئی، علی فراهانی، دانشجوی دانشگاه علامه، به‌دلیل انتشار یک توئیت به‌کلی از ادامهٔ تحصیل محروم و نیز مطهر گونه‌ای به‌دلیل فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام به یک سال حبس تعزیری محکوم شد. خشایار سفیدی، دانشجوی اخراجی دانشگاه هنر تهران، به‌علت تحصن و اعتصاب غذا در حمایت از توماج صالحی به یک سال حبس محکوم شد. عاطفه رنگریز، پژوهشگر و فعال حقوق زنان، با باز شدن پرونده‌ای جدید برای او به‌اتهام "تبلیغ علیه نظام و تشکیل گروه به‌قصد بر هم زدن امنیت ملی" در پی مراجعه به دادسرای عمومی و انقلاب دامغان دستگیر و به زندان شاهرود منتقل شد و بی‌درنگ در اعتراض به دستگیری خود به اعتصاب غذا دست زد. این‌ها نمونه‌هایی از پرونده سازی، محروم کردن از حقوق اولیه از جمله حق تحصیل و یا کار، و ایجاد فشار و در صورت لزوم دستگیری کوشندگان صنفی، مدنی و اجتماعی است.

ادامهٔ برگماری رئیس‌جمهور مورد نظر دیکتاتور ...

حتی پس از "نقش‌آفرینی" پزشکیان نیز پایگاه از دست رفتهٔ حکومت اسلامی احیاشدنی نیست. به‌علاوه، با توجه به تقلب‌های انتخاباتی در دوره‌های پیش و خرید رأی و کشاندن اجباری شاغلان نهادهای دولتی به پای صندوق‌های رأی و نیز شواهد میدانی به‌جرئت می‌توان گفت که آمار رسمی این انتخابات حساس برای رژیم بسیار بیشتر از تعداد واقعی آرا گزارش و اعلام شده است.

شرکت نکردن بیش از ۶۰ درصد از مردم در دورهٔ اول انتخابات در روز ۸ تیر نشان‌دهندهٔ واقعیت‌های موجود در جامعه و ذهنیّت بسیار منفی مردم دربارهٔ رژیم حاکم و شخص خامنه‌ای است. در دورهٔ دوم این نمایش انتخاباتی، برای افزایش رأی پزشکیان، کارزار گسترده ای با اعلام خطر " احتمال انتخاب شدن جلیلی" ایجاد جو هراس و دو قطبی سازی بد و بدتربه راه انداخته شد که البته آن هم در مجموع کم‌اثر بود.

عمق درماندگی سران حکومت و در رأس آنها خامنه‌ای را می‌توان در اینجا دید که آنها برای نقش‌آفرینی "نامزد پاکدست" مورد تأیید ولی فقیه، خواسته یا نخواسته چهره‌های شاخص اصول‌گرا در "جبههٔ انقلاب" مانند زاکانی و قالیباف و در نهایت جلیلی را به مهره‌هایی سوخته تبدیل کردند. خامنه‌ای و گروه حکومتی مدیریت بحران با آوردن نامزد "اصلاح‌طلب مستقل" به میدان و دادنِ اجازهٔ نطق‌های پرشور و عوام‌فریبانه به او تصور می‌کردند که می‌توانند به "مشارکت حداکثری" دست یابند. اما بخش بزرگی از مردم کشور هشیارانه و آگاهانه این ترفندها را نقش بر آب کردند و نشان دادند که از دید آنها نه‌فقط هر شش نامزد نمایش انتخاباتی مورد تأیید ولی فقیه، بلکه کل "نظام" بی‌اعتبار است. در یک نمونه، هفتهٔ گذشته در برخی از تجمع‌های مذهبی به‌مناسبت ماه محرم با شرکت مسعود پزشکیان، حاضران شعار "یا حسین، میرحسین «سر دادند و از شخصیتی یاد کردند که بیشتر از ۱۳ سال است همراه با همسرش در حبس خانگی است و از رأی دادن در انتخابات اخیر نیز خودداری کرد.

بدین صورت، حکومت ولایی در نمایش انتخاباتی اخیرش در یک هفته دو بار با "نه" بزرگ مردم روبه‌رو شد. روشن شد که رئیس‌جمهور مورد نظر دیکتاتور نیز نمی‌تواند حلّال مشکلات اساسی حکومت باشد. این پرده‌سازی برای لاپوشانی کردن بحران ناشی از شکاف گسترده و عمیق بین مردم و دیکتاتوری ولایی نیز بی‌ثمر ماند. گفتنی است که دخالت مستقیم خامنه‌ای با وارد کردن پزشکیان و هماهنگ کردن نمایشی و موقتی "رقابت" نامزدهای انتخاباتی عامل اصلی در این پرده‌سازی بود. ولی از هفتهٔ گذشته پرده‌ها به‌سرعت کنار رفت و نزاع‌های جناحی ذاتی این رژیم برای برخورداری از رانت‌های سیاسی-اقتصادی دوباره آشکار شد. همهٔ این جناح‌های حکومتی بارها نشان داده‌اند که وضع کار و زندگی فلاکت‌بار اکثریت ملت دغدغه‌شان نیست. چه اصول‌گرا و چه اصلاح‌طلب، به‌رغم تقابلی که در برخی عرصه‌ها با یکدیگر دارند، نشان داده‌اند که در لحظه‌هایی که احساس کنند ورود مردم به صحنه "نظام"شان را تهدید می‌کند، با تکیه بر محور دیکتاتوری ولی فقیه دست‌کم موقتی "وحدت" خواهند کرد.

اشتباه محاسباتی خامنه‌ای و اعوان و انصارش در اینجاست که تصور می‌کنند این "وحدت" موقتی بین اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان برای "حفظ نظام" در برابر مردم را می‌توانند به "وحدت ملی" بین مردم و حکومت تبدیل کنند. خامنه‌ای روز ۱۶ تیر، پس از تبریک به پزشکیان، امر کرد که "رفتارهای رقابتی دوران انتخابات به هنجارهای رفاقتی تبدیل شود." این تلاش خامنه‌ای کاری عبث است، زیرا که مدت‌هاست همهٔ این جناح‌ها و چهره‌های سیاسی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب به‌دلیل تناقض و تضاد بین گفتار و کردارشان در افکار عمومی جامعه کاملاً بی‌اعتبار و بی‌آبرو شده‌اند.

این تضاد در گفتار- یعنی دادن شعارها و وعده‌های پوچ- و عمل آنها- یعنی سرکوب و بی‌توجهی به خواست‌های مردم برای "حفظ نظام"- ریشه در تضاد آشتی‌ناپذیر بین خواست‌های مبرم اکثر مردم و به‌ویژه زحمتکشان و مجموعهٔ دیکتاتوری دینی دارد. این واقعیتی عینی و فرایندی قانونمند است که در این حکومت استبدادی سرمایه‌سالار برای هیچ‌یک از کارگزاران حکومتی، مانند پزشکیان و دیگر جریان‌های سیاسی تابع ولایت و حکومت، راه گریزی از چهارچوب اصلی حکومت وجود ندارد، مگر آنکه بخواهند ساختارشکنی کنند، که نه خواست و توانش را دارند و نه اجازهٔ چنین کاری دارند.

...سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز عرصهٔ دیگری است که کاملاً در چهارچوب تصمیم‌های "رهبری" مدیریت می‌شود. حزب ما همواره تأکید کرده است که برخلاف رجزخوانی‌های معمول خامنه‌ای، او دیر یا زود باید به نرمش قهرمانانهٔ دیگری در سیاست خارجی تن در دهد. طلیعهٔ این نرمش در لحن کاملاً متفاوت مقالهٔ مسعود پزشکیان در روز ۲۲ تیر در روزنامهٔ انگلیسی‌زبان "تهران تایمز"، چاپ جمهوری اسلامی ایران، دیده می‌شود. در این مقاله با عنوان "پیام من به جهان جدید"، حکومت ولایی از زبان رئیس‌جمهور تازه‌برگمارده، و شاید بهتر است بگوییم از زبان جواد ظریف، با درماندگی خواهان رسیدن به تفاهم با آمریکا و اروپا شده است...

در گفته‌های مسعود پزشکیان در چند هفتهٔ گذشته نیز همین تناقض و تضاد کاملاً مشهود بود. حافظان نظام با جوّسازی پُرهیاهو و با کمک‌های رسانه‌یی و تبلیغاتی حکومتی، و البته به مدد نقش‌آفرینی پامنبری‌هایی مانند جواد ظریف، سعی کردند این تضاد بین مردم و حکومت را موقتاً در پشت پرده نگه دارند. اما از هفتهٔ گذشته دُم خروس بیرون زد. روز چهارشنبه ۲۰ تیر، پزشکیان در دیدار با محمد محمدی گلپایگانی و سیدعلی اصغر حجازی، رئیس و قائم‌مقام دفتر "مقام معظم رهبری"، بار دیگر اعلام کرد که "سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب را مهم‌ترین برنامهٔ کار دولت آینده و چشم‌انداز توسعهٔ کشور" می‌داند. اما از سوی دیگر، او روز بعد، در جمع اعضای ستاد انتخاباتی استان تهران، گفت: "بدون حمایت و پشتوانهٔ مردم نمی‌توان امور را به سرانجام رساند." روشن است که این دو گفتهٔ پزشکیان در تناقض آشکار با یکدیگر است. طبقهٔ کارگر و دیگر زحمتکشان کشور اثرات ویرانگر سه دهه "سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از سوی رهبر" در عرصهٔ سیاست‌های داخلی و خارجی را هر روز با پوست و گوشت و استخوان احساس می‌کنند. پزشکیان با این حرف‌های تکراریِ رئیس‌جمهورهای قبلی همچنان خاک در چشم مردم می‌پاشد.

مردم به ستوه آمده از حکومت ولایی به تجربه دیده‌اند و دریافته‌اند که هر نوع اعتراض سازمان‌یافتهٔ مدنی یا صنفی- چه برسد سیاسی- برای تحقق خواست‌های برحق آنها و برخورداری از زندگی شایسته، به دستور و با حمایت "مقام معظم رهبری" با قدرت سرکوب می‌شود. شخص پزشکیان خودش یکی از کارگزاران قدیمی حکومت است که به‌خوبی این واقعیت‌ها را می‌داند. او خواهان "حفظ نظام" است و به همین دلیل گفته‌ها و کردارهایش در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرد. این رئیس‌جمهور نیز مانند قبلی‌ها احتمالاً تا مدتی مُجاز به ایجاد برخی تغییرهای شکلی خواهد بود، اما همان‌طور که تجربه بارها نشان داده است، این تغییرها به دگرگونی بنیادی در ماهیت و عملکرد دیکتاتوری حاکم نخواهد انجامید. اخبار هفتهٔ گذشته دربارهٔ موج دستگیری فعالان صنفی، مدنی و حقوق زنان، همراه با صدور حکم اعدام برای شریفهٔ محمدی و سکوت انزجارآمیز پزشکیان افشاگر شعارهای عوام‌فریبانه اوست. حکومت ولایی در وضع نامتعادل و برگشت‌ناپذیری قرار دارد. این حکومت، بنا به سرشت ضدّمردمی‌اش و به‌دلیل هراس دائمی‌اش از مردمی که خواهان آزادی و عدالت اجتماعی‌اند، هیچ‌گاه از اهرم سرکوب برای جلوگیری از سازمان‌یافتگی اعتراض‌های مردمی دست برنخواهد داشت.

همچنین، علی خامنه‌ای در چند هفتهٔ گذشته بارها بر ضرورت ادامهٔ سیاست‌های ورشکستهٔ دولت رئیسی تأکید کرد، زیرا هنوز هم آنها را برای "حفظ نظام" لازم می‌داند. این یعنی ادامهٔ تحمیل خشن برنامه‌های دردناک نولیبرالیسم اقتصادی که معیشت بخش بزرگی از جامعه را با فلاکت روبه‌رو کرده است. پزشکیان خوب می‌داند که نظام سیاسی کشور متکی به سرمایه‌های کلان مالی-تجاری فسادآلود است. او همچنین می‌داند که ادامهٔ برنامه‌های نولیبرالیسم اقتصادی برای برانگیختن رشد اقتصادی بر محور انباشت سرمایه‌های کلان خصوصی و شبه‌خصوصی و ثروت‌اندوزی شخصی در دستور کار همهٔ رئیس‌جمهورهای گماشتهٔ ولی فقیه است. اجرای همین برنامه‌های اقتصادی، حتی بدون اِعمال سرکوب‌های خونین و مقابله با فعالیت‌های صنفی مستقل زحمتکشان- به فرض محال- زحمتکشان را در مقابل حکومت قرار می‌دهد که تهدیدی جدّی برای حیات و بقای آن خواهد بود.

ادامه در صفحهٔ ۳

ادامهٔ اطلاعیهٔ حزب تودهٔ ایران...

چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۱۰ میلیون و ۱۹۹ هزار و ۷۴۲ نفر بودند که در این دوره از انتخابات در هشتم تیرماه در پایتخت سه میلیون و ۳۶۶ هزار و ۲۶۴ تعرفه رای استفاده شد).

روشن بود که ادامهٔ بحران شدید اقتصادی و اجتماعی که جامعه را به مرحلهٔ خیزش اعتراض‌های گستردهٔ سراسری‌ای دیگر نظیر جنبش اعتراضی مردمی "زن، زندگی، آزادی"، جنبشی که ادامهٔ حیات جمهوری اسلامی را با چالش‌هایی جدی رو به رو کرد، و رویدادهای اعتراضی پی در پیِ دو سال گذشته می‌توانست بکشاند، سران رژیم را از عاقبت کار حاکمیتش و دشواری‌های جدی بر سر ادامه حیات آن سخت نگران کرده بود. سِیر رویدادهای منطقه و از جمله خطر درگیری‌های مستقیم و فاجعه‌بار با دولت نژادپرست و جنایتکار اسرائیل و امپریالیسم آمریکا، را نیز بر مجموعهٔ نگرانی‌های حاکمان باید افزود تا ابعاد عمق بحرانی که رژیم به‌خاطر سیاست‌های نابخردانه و ماجراجویانه‌اش با آن دست به گریبان بود روشن گردد.

با مرگ غیرمنتظره و پرابهام ابراهیم رئیسی، از اعضای گروه مرگ مسئول کشتار هزاران زندانی سیاسی در سال ۶۷، رژیم فرصت را برای جابه‌جایی مهره‌ها و منحرف کردن جنبش مردمی به سمت سراب "اصلاح‌پذیری" حاکمیت و گشودن دریچهٔ اطمینانی برای آرام کردن جامعه و خاموش کردن خشم خروشان و فزایندهٔ توده ها را مناسب دید.

تأیید صلاحیت مسعود پزشکیان (کسی که در دو دوره انتخابات ریاست‌جمهوری و همچنین انتخابات دورهٔ اخیر مجلس - مجلس دوازدهم- رد صلاحیت شده بود) به‌طور سازمان یافته و به‌دستور مستقیم ولی فقیه و از این طریق به میدان آوردن سازمان یافته اصلاح‌طلبان حکومتی برای توهم‌زایی دربارهٔ مسعود پزشکیان و به‌وجود آوردن امید کاذب برای پیدا شدن "روزنه‌ای" که عیناً در دوران نمایش انتخاباتی حسن روحانی نیز آزمایش شده بود، و همچنین تبلیغ گسترده و هراس افکنی از امکان "انتخاب" جلیلی و بدتر شدن اوضاع مملکت از سوی دیگر، مجموعه کارزار دقیق و سازمان یافتهٔ حکومتی برای "حماسه آفرینی" کذایی در تأیید مردمی بودن، مقبولیت، و توهم وجود آزادی در میهن استبداد زده ما بود.

آقای خاتمی که چند ماه قبل از این نمایش انتخاباتی، با درک خشم و تنفر عمیق مردم از حاکمیت فرصت‌طلبانه از شرکت در نمایش انتخاباتی مجلس خودداری کرد تا به‌اصطلاح خودش در "کنار مردم" باشد دوباره به میدان آمد تا فریب "روزنه انتخابات" را تکرار و تبلیغ کند. البته مردم فراموش نکرده‌اند که زمانی آقای خاتمی گفته بود: "اگر بنا باشد اصلاح‌طلبان یا افرادی از آنان را از رده خارج کنند هیچ حساب افکار عمومی و افکار جهانی را هم نمی‌کنند. آن چه مهم است این است که کسانی را که نمی خواهند نیایند و من مطمئن هستم که نمی خواهند ما بیاییم. تازه اگر از این مرحله هم بگذریم حق نداریم بیش از آن چه می‌خواهند رأی بیاوریم. ... " و اتفاقا مسعود پزشکیان که در سخنرانی‌های قبلی‌اش تأکید کرده بود فردی است "ذوب در ولایت" و اختیاری در خیلی زمینه‌ها برای تغییرات اساسی ندارد، در نخستین سخنرانی‌اش ضمن تأیید ارزیابی خاتمی از روند "انتخابات" در حکومت جمهوری اسلامی از جمله گفت: "از مقام رهبری تشکر می‌کنم که اگر ایشان نبودند فکرنمی‌کنم اسم ما به‌راحتی از این صندوق‌ها درمی‌آمد." علی خامنه‌ای هم پس از اعلام نتایج انتخابات به پزشکیان گوش‌زد کرد که باید راه دولت رئیسی را ادامه دهد.

توهم زایی دربارهٔ دولت پزشکیان برای آرام کردن اوضاع، و وظایف جنبش مردمی

دولت مسعود پزشکیان که اعضای کلیدی آن از سوی علی خامنه‌ای تعیین خواهد شد و بر روال دولت‌های قبلی سیاست‌های کلان اقتصادی آن از سوی دفتر ولی فقیه به دولت او و دیگر ساختارهای قانون‌گذاری و اجرایی کشور ابلاغ خواهد شد، دو مأموریت کلیدی خواهد داشت. نخست، آرام کردن اوضاع به‌شدت بحرانی کشور و توهم‌آفرینی در این‌باره که گویا رژیم راه اصلاحات را گزینهٔ خود کرده است و جلوگیری کردن از انفجار اجتماعی‌ای دیگر، انفجاری که این بار می‌تواند با حضور نیرومند جنبش کارگری و زحمتکشان دشواری‌هایی علاج‌ناپذیر برای رژیم به‌وجود آورد. دوم، از سرگیری مذاکرات مخفیانه با آمریکا و اتحادیه اروپا که همگی تلویحاً از انتخاب او برای بهبود روابط فی‌مابین با ایران اظهار امیدواری کردند.

تجربه دو دولت حسن روحانی که با حمایت "اصلاح طلبان" حکومتی روی کار آمد نیز مشابه همین روند کنونی است. برخلاف قول‌های انتخاباتی روحانی، نه دوران حصر میرحسین موسوی، زهرا رهنورد، و کروبی به پایان رسید، نه زندانیان سیاسی- عقیدتی آزاد شدند، نه از سرکوب خشن حقوق زنان جلوگیری شد، و نه به خواست کارگران و زحمتکشان میهن توجهی گردید. بحران اقتصادی ادامه یافت، درهٔ عمیق میان فقر و ثروت بیش از پیش گسترش یافت، فساد گسترده دستگاه دولتی ادامه یافت و تشدید شد، و سرکوب خونین و خشن هر گونه اعتراض توده‌ای از جمله در سال‌های ۹۶ و ۹۸ همچنان برقرار بود، و در انتهای کار دولت "امید"، روحانی اشاره کرد که چندان اختیاری نداشته است و عملاً تنها تدارکاتچی و مجری دستورات رهبری رژیم و سپاه و نیروهای امنیتی بوده است.

هم‌میهنان گرامی!

حزب تودهٔ ایران بر این اعتقاد است که به‌جز اقلیتی کم‌شمار که در این "انتخابات" شرکت کردند و به جلیلی رأی دادند، اکثریت قاطع مردم میهن ما و همچنین کسانی که با امید پیدا شدن "روزنه ای" به مسعود پزشکیان رأی دادند همگی خواهان تغییر اساسی در شرایط فاجعه‌بار امروز کشور و حرکت به سمت حاکم شدن اراده مردم بر امور را خواهان هستند. اکثریت قریب‌به‌اتفاق مردم میهن ما خصوصاً کارگران و زحمتکشان، هم‌میهنانی که بیش از پیش به زیستن زیر خط فقر هُل داده شده‌اند، خواهان تخفیف فشارهای کمرشکن اقتصادی، دریافت دستمزدی مناسب و همخوان با تورم، به‌پایان رسیدن سیاست‌های مخرب نولیبرالی خصوصی‌سازی پردامنه و تعدیل نیروی انسانی کار، خواهان ترمیم زیرساختار تولیدی کشور، خواهان پایان یافتن تعرض خشن و ضد انسانی گزمگان رژیم علیه زنان، خواهان آزادی زندانیانی سیاسی- عقیدتی و باز شدن فضای سیاسی کشور هستند. روشن است که هیچ‌کدام از این خواست‌ها در چارچوب ادامه رژیم ولایت فقیه و نظام سیاسی استبدادی و ضدمردمی کنونی تحقق‌پذیر نیست. تجربه دهه‌های اخیر نشان داده است تنها با مبارزهٔ گسترده و سازمان یافتهٔ اجتماعی می‌توان حکومت را به عقب‌نشینی وادار کرد. تجربه تاریخی روزهای اخیر در فرانسه که طیفی گسترده از نیروهای مترقی از کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها گرفته تا سبزها که برای جلوگیری از پیروزی نیروهای راستگرای متمایل به فاشیسم متحد شدند نشانه‌ای روشن و اثبات شده از توانمندی حرکت سازمان یافته و متحد نیروهای مترقی و آزادی‌خواه است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

ما بار دیگر همه نیروهای ملی و آزادی‌خواه کشور را به همکاری و تدارک یک گفتمان ملی برای سازمان‌دهی توده‌های جان به‌لب رسیده و به‌چالش کشیدن جدی حکومت ضد مردمی فرامی‌خوانیم. بدون تلاش مشترک و بدون مبارزهٔ سازمان یافته برای به‌وجود آوردن تغییرات بنیادین و پایدار، حکومت جمهوری اسلامی همچنان که در طول سال‌های اخیر نشان داده است با بهره‌گیری از انواع مانورها و جابه‌جایی مهره‌ها همچنان به حیات فاجعه‌بارش در صدمه زدن به میهن ما ادامه خواهد داد.

حزب تودهٔ ایران
۱۸ تیرماه ۱۴۰۳

همبستگی سندیکاهای بزرگ جهان با اعتصاب قدرتمند کارگران پروژه‌یی در صنایع نفت، گاز و مجتمع‌های صنعتی

همان‌طور که در گزارش منتشرشده در نامهٔ مردم شمارهٔ 1211 در تاریخ 11 تیر به اطلاع خوانندگان رسید، موج همبستگی بزرگ و مؤثری با اعتصاب کارگران پروژه‌یی در جهان به راه افتاده است. این کارگران از روز 31 خرداد در صنایع استراتژیک ایران برای تأمین حقوق صنفی و انسانی دست به اعتصاب زده‌اند. کارگران پروژه‌یی صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و دیگر صنایع مرتبط اکنون نزدیک به یک ماه است که در اعتصاب‌اند. به گزارش نهادهای کارگری فعال در کشور، تا کنون بیش از ۲۴هزار کارگر به این اعتصاب پیوسته‌اند. حزب تودهٔ ایران، حزب طبقهٔ کارگر ایران، در فراخوانی که در روز ۵ تیر منتشر کرد از این اعتصاب گستردهٔ کارگران حمایت کرد و خواهان حمایت و ابراز همبستگی فعالان کارگری، نیروهای سیاسی ترقی‌خواه، و کمونیست‌های جهان با این اعتصاب زحمتکشان ایران شد. حزب‌های کمونیست از کشورهای سودان، هند، هلند، بریتانیا، آمریکا، و ونزوئلا با انتشار بیانیه‌هایی از اعتصاب‌کنندگان ایرانی و خواست‌های آنها حمایت کردند.

حمایت فعال اتحادیهٔ جهانی ایندستریال از این اعتصاب در گسترش موج همبستگی طبقاتی با کارگران ایرانی بسیار مؤثر بوده است. این اتحادیه در چهارچوب کنفدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری (آی‌تی‌یوسی) فعالیت و منافع و خواست‌های کارگران صنایع انرژی، شیمیایی، خودروسازی، و نساجی را نمایندگی می‌کند. در هفته‌های گذشته، مرکز اتحادیه‌های کارگری هند با بیش از ۶٫۲میلیون عضو نیز از اعتصاب کارگران پروژه‌یی ایران حمایت کرد. از فرانسه، فدراسیون انرژی و معدن سندیکای خوشنام "ثژت" با صدور بیانیه‌ای رسا، و از بریتانیا، کنفدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگری (جی.اف.فی.یو) به این موج همبستگی طبقاتی زحمتکشان پیوستند.

به‌رغم سرکوب کارگران و اتخاذ سیاست تهدید و فریب کارگران از سوی نهادهای سرکوبگر و امنیتی جمهوری اسلامی برای دور نگه داشتن کارگران از موج اعتصاب‌های اخیر، روزی نیست که شمار بیشتری از کارگران به این حرکت حق‌طلبانه و قانونی نپیوندند. در پایان نهمین روز اعتصاب اعلام شد که بر اساس گزارش میدانی دقیق فعالان "کمپین مطالبات کارگران پروژه‌یی" و "سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران" تا کنون اعتصاب فعالیت روزمرهٔ ۱۰۴ کارگاه و شرکت پیمانکاری فعال را مختل کرده است و بیش از ۲۱هزار کارگر در اعتصاب‌اند.

حمایت کمیتهٔ دفاع از حقوق مردم ایران (کودیر)، سازمانی مردم‌نهاد که در بریتانیا فعالیت می‌کند و سندیکاهای قدرتمند و نیروهای چپ و ترقی‌خواه در بریتانیا از فعالیت‌های آن در ارتباط با مسائل زحمتکشان حمایت می‌کنند، برای گسترش همبستگی با اعتصاب کارگران ایران ابتکارهای جدیدی به کار گرفته است. در ادامه، ترجمهٔ بخش‌هایی از متن پیام‌های همبستگی متعددی را که در دو هفتهٔ گذشته فرستاده شده است برای اطلاع خوانندگان نامهٔ مردم منتشر می‌کنیم.

COMMUNIST PARTY OF SUDAN — الحزب الشيوعي السوداني

اعلام همبستگی حزب کمونیست سودان

رفقای گرامی،

دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست سودان همبستگی حزب ما را با کارگران اعتصابی نفت و گاز در ایران اعلام می‌کند. همچنین، ما از خواست‌های عادلانهٔ این کارگران، از جمله برخورداری از حقوق جمعی کار و آزادی تشکل، حمایت کامل می‌کنیم.

کارگران و نیروهای ملی و دموکراتیک ایران مبارزه در راه تحقق آزادی‌های سندیکایی، دموکراسی، و عدالت اجتماعی را تشدید کرده‌اند.

ما از این فرصت استفاده می‌کنیم تا بار دیگر بر حمایتمان از توده‌های زحمتکش ایران و همبستگی‌مان با این زحمتکشان در مبارزه با سرکوب رژیم ولایی و سیاست‌های ارتجاعی استثمارگرانهٔ آن تأکید کنیم.

در چنین برهه‌ای، ما درودهای رفیقانه‌مان را به رفقای حزب تودهٔ ایران می‌فرستیم و نقش و سهم کمونیست‌های ایران را در تحقق آرمان‌های عادلانهٔ ملت ایران می‌ستاییم.

فتحی الفضل

عضو هیئت سیاسی

همبستگی مرکز سندیکاهای کارگری هند با کارگران قراردادی اعتصابی در ایران

CITU — भारतीय ट्रेड यूनियन केन्द्र — CENTRE OF INDIAN TRADE UNIONS

K. HEMALATA, President — TAPAN SEN, Ex-M.P., General Secretary

دهلی نو، هند

۶ ژوئن ۲۰۲۴ [۱۶ تیر ۱۴۰۳]

مرکز سندیکاهای کارگری هند (CITU)، کنفدراسیونی سندیکایی با گرایش طبقاتی که بیش از ۷میلیون کارگر را نمایندگی می‌کند و عضو وابستهٔ فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری (WFTU)است، همبستگی انترناسیونالیستی طبقاتی کارگری‌اش را با کارگران قراردادی اعتصابی در ایران اعلام می‌کند که در بخش‌های نفت و گاز طبیعی و مجتمع‌های پتروشیمی، نیروگاه‌ها و غیره زیر رهبری "شورای سازمان‌دهی کارگران غیردائم نفت" از ۱۹ ژوئن [۳۱ تیر] در سراسر کشور در اعتصاب گسترده‌اند.

از جمله خواست‌های این کارگران اعتصابی اجرای برنامهٔ کاری چرخشی ۱۴ روز کار ۱۴ روز تعطیلی با مزد، مانند کارگران رسمی دائمی، حذف شرکت‌های خصوصی تأمین نیروی انسانی، حذف پیمانکاران فنی و در عوض استخدام مستقیم در شرکت‌ها[ی نفت و گاز و پتروشیمی و غیره]، و افزایش مزدها است. کارگران اعتصابی همچنین خواستار بهبود شرایط زندگی در خوابگاه‌ها، نظافت مناسب و رعایت بهداشت در خوابگاه‌ها، کیفیت بهتر غذا در غذاخوری‌ها، بهبود سرویس‌های رفت‌وآمد به محل کار، انجام اقدامات لازم برای ایمنی کارآمد در محل کار و غیره هستند.

این مبارزات و کنش‌های پیگیر علیه پیمانکاران قدرتمند همدست رژیم استثمارگر بخشی از موج کنش‌های اعتراضی کارگران پروژه‌یی است که بیشتر در مناطق جنوبی ایران اوج و شتاب گرفته است. بیش از ۲۰هزار کارگر از بیش از ۱۱۰ شرکت در این اعتصاب شرکت دارند. با وجود تهدیدهای گوناگون و ارعاب و دیگر مانورهای فریبنده، کارگران قراردادی اعتصابی صنعت نفت و گاز ایران قاطعانه برای تحقق خواست‌های برحق و عادلانه‌شان ایستاده‌اند.

آن طور که ما مطلع شده‌ایم، در صنعت نفت و گاز طبیعی ایران در سال های اخیر دست به استخدام گستردهٔ کارگران قراردادی زده شده است. این کارگران قراردادی را جایگزین کارگران رسمی و دائمی کرده و شرایطی ضدکارگری و مزدهای کم و استثمارگرانه‌ای را بر آنها تحمیل کرده‌اند.

همچنین، این طور که مرکز سندیکاهای کارگری هند اطلاع یافته است، اعتراض‌ها و حرکت‌ها و اعتصاب‌های جاری کارگران ایران بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزات فزایندهٔ طبقهٔ کارگر در ایران است. کارگران ایران پیوسته و همواره از کم بودن مزدها، تأخیر در پرداخت مزدها، اخراج‌های خودسرانه، و البته تأثیر سیاست‌های خصوصی‌سازی ابراز نارضایتی کرده‌اند.

مرکز سندیکاهای کارگری هند از خواست‌های کارگران قراردادی صنعت نفت، گاز طبیعی، و پتروشیمی ایران حمایت و پشتیبانی کامل می‌کند و از دولت ایران می‌خواهد که خواست‌های کارگران را برآورده کند.

مرکز سندیکاهای کارگری هند امیدوار است کارگران اعتصابی ایران در تحقق خواست‌های عادلانه‌شان موفق باشند. همچنین، ما از همهٔ اعضای فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در داخل و خارج از کشور می‌خواهیم که با کارگران مبارز ایران اعلام همبستگی کنند.

سوادِش دِو–روی

دبیر و رئیس بخش امور بین‌المللی

ادامه در صفحهٔ ۹

ادامهٔ همبستگی سندیکاهای بزرگ ...

COMMUNIST PARTY OF INDIA
CENTRAL OFFICE
Ajoy Bhavan, 15 Com. Indrajit Gupta Marg, New Delhi - 1100 02
E-mail : cpiofindia@gmail.com,nationalcouncil@communistparty.in, Web : www.communistparty.in
Tele. : 23232801 23235546 23235058 23235099 Fax : 23235543
D. RAJA
General Secretary

حزب کمونیست هند
به کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
۶ ژوییه ۲۰۱۴ [۱۶ تیر ۱۴۰۳]

حزب کمونیست هند همبستگی‌اش را با طبقهٔ کارگر ایران به‌طور کلی، و به‌ویژه با ۲۰هزار کارگری که در میدان‌های نفت و گاز جنوب ایران، مجتمع‌های پتروشیمی، و نیروگاه‌ها در پروژه‌های صنعتی کار می‌کنند، اعلام می‌کند.
حزب کمونیست هند از خواست‌های اصلی کارگران پروژه‌یی در پالایشگاه‌ها، کارخانه‌های پتروشیمی، و دیگر مجتمع‌های نفت و گاز و نیروگاه‌ها حمایت می‌کند. این خواست‌ها شامل افزایش مزد، بهبود شرایط زندگی در خوابگاه‌ها، بهبود نظافت و بهداشت در خوابگاه‌ها، کیفیت بهتر غذا در غذاخوری‌ها، و بهبود سرویس‌های رفت‌وآمد به محل کار کارگران، از جمله ایمنی و راحتی این سرویس‌ها، نصب کولر و تهویهٔ مناسب، به‌ویژه در مناطقی است که دمای هوا به بیشتر از ۵۰ درجهٔ سانتی‌گراد می‌رسد.
حزب کمونیست هند (CPI)از وزارت کار و دیگر نهادهای مربوط در [جمهوری اسلامی ایران] می‌خواهد که برای برآوردن خواست‌های کارگران تصمیم شایسته‌ای بگیرند.
با درود،

پالاب سنگوپتا، دبیر شورای ملی

اعلام همبستگی حزب کمونیست بریتانیا با کارگران اعتصابی نفت، گاز و پتروشیمی ایران
۱ ژوییه ۲۰۲۴ [۱۱ تیر ۱۴۰۳]

الکس گوردون، از سازمان‌دهندگان سندیکایی کارگران صنعتی و عضو حزب کمونیست بریتانیا، خواستار همبستگی بین‌المللی طبقهٔ کارگر با ۲۰هزار کارگر اعتصابی نفت، گاز و پتروشیمی در ایران شده است.
اعتصاب سراسری کارگران قراردادی نفت و گاز ایران از ۲۰ ژوئن آغاز شد و بیش از ۱۱۰ شرکت را در بر گرفت. کارگران اعتصابی خواستار قراردادهای دائمی، افزایش مزد، کار چرخشی به‌صورت ۱۴ روز کار و ۱۴ روز تعطیلی با حقوق (کمپین ۱۴-۱۴)، خوابگاه‌های بهتر، اقدامات ایمنی بیشتر در محیط کار و زندگی، و حذف دلالان فاسد نیروی انسانی‌اند.
در سال ۲۰۲۱ نیز ۱۱۰هزار کارگر نفت در اعتراض به قراردادهای موقت، مزدهای کم، به رسمیت نشناختن سندیکاها، خوابگاه‌های غیربهداشتی، کیفیت بد غذا در غذاخوری‌ها، و استخدام در شرکت‌های پیمانکار دولتی اعتصاب کردند. این شرکت‌ها با نپرداختن یا کمتر پرداختن سهم کارفرما به تأمین اجتماعی، به حقوق بازنشستگی و بیمهٔ درمانی و بیمهٔ بیکاری کارگران ضربه زده‌اند.
به گفتهٔ الکس گوردون: "مبارزهٔ برای تأمین شرایط زندگی و کار ایمن، دریافت مزد و مزایای مناسب، و به‌ویژه علیه استثمار دوگانه در الگوی استخدام در شرکت‌های پیمانکاری [به‌جای استخدام مستقیم در شرکت‌های نفت و گاز و پتروشیمی]، ویژگی مشترک مبارزات امروزی طبقهٔ کارگر در سراسر جهان سرمایه‌داری است. کمیتهٔ روابط صنعتی حزب کمونیست بریتانیا همبستگی خود را با کارگران صنایع نفت ایران اعلام می‌کند که به‌نفع طبقهٔ خود برای تأمین حقوق جمعی در کار و برای آزادی تشکل دست به اعتصاب می‌زنند."
روز ۲۲ ژوئن امسال [۲ تیر ۱۴۰۳]، شورای سازمان‌دهی اعتراض‌های کارگران پیمانی صنعت نفت (ارکان ثالث) از کارگران پیمانی خواست که به اعتصاب‌ها بپیوندند. به گفتهٔ این شورا، اگر خواست‌های کارگران برآورده نشود، اعتصاب‌ها گسترده‌تر خواهد شد. کارگران نفت و گاز ایران که در سال‌های گذشته [در استخدام مستقیم دولت بوده‌اند و] مزد و مزایای خوبی داشته‌اند، در سال‌های اخیر به طور فزاینده‌ای به استخدام شرکت‌های دلال دولتی درآمده‌اند که مزد کمتری به کارگران می‌پردازند و شرایط کاری سختی به آنها تحمیل می‌کنند.
شایان توجه است که در ماه مه ۲۰۲۴، صادرات نفت خام و گاز ایران به ۱٫۷ میلیون بشکه در روز افزایش یافت و از زمان اعمال تحریم‌های کامل آمریکا در ماه مه ۲۰۱۹ به بالاترین سطح در این دورهٔ ۵ ساله رسید.
حزب تودهٔ ایران خواستار حمایت فعال حزب‌های کمونیست و کارگری و سازمان‌های سندیکایی بین‌المللی کارگران از کارگران اعتصابی و ابراز همبستگی آنها با مبارزهٔ عادلانهٔ این کارگران برای صلح، حقوق قانونی، آزادی‌های سندیکایی، و عدالت اجتماعی شده است.

حزب کمونیست نوین هلند از ۲۱هزار کارگر اعتصابی در صنایع نفت و گاز ایران حمایت می‌کند
طبقهٔ کارگر ایران با تأکید مجدد بر خواست‌هایی که پیش از این نیز اعلام کرده بود و با نشان به دولت که در مقابل رفتارهای ناشایست با کارگران ساکت نخواهد نشست، قدرت و شهامت خود را نشان می‌دهد. اقدام این کارگران ضرورت مبرمی دارد، چون طبقهٔ کارگران ایران مورد سرکوب خشن حکومت اسلامی بورژوازی و تحریم‌های امپریالیستی قرار دارد.
در تاریخ نوین ایران، اعتصاب کنونی [کارگران نفت و گاز] بار دیگر مقاومت طبقهٔ کارگر و این واقعیت را نشان می‌دهد که این طبقه بی‌اعتنا و بی‌حرکت نخواهد نشست. سازمان‌دهی گستردهٔ این اعتراض‌ها واقعاً تحسین‌برانگیز و برای طبقهٔ کارگر ایران حیاتی است.
حزب کمونیست نوین هلند از خواست‌های کارگران ایران و از مقاومت آنها در برابر حکومت اسلامی بورژوازی حمایت می‌کند.
کمیسیون روابط بین‌المللی

فداسیون جهانی سندیکایی ایندستریال حمایت کامل خود از اعتصاب کارگران پروژه ای صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در ایران را اعلام کرد
ایندستریال در نامه ای به تاریخ 26 ژوئن (6 تیرماه) حمایت خود از کارگران اعتصابی و خواسته های برحق آنان را اعلام کرد و از سندیکاهای عضو خود در سراسر جهان که ده ها میلون عضو در صنایع نفت، پتروشیمی، نساجی و خودرو سازی دارند، خواست که از این اعتصاب حمایت کنند. متن نامه ایندستریال در ادامه آماده است.
همکاران، خواهران و برادران عزیز،
فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری ، (ایندستریال) در پاسخ به فراخوان سندیکای کارگران فلزکار و مکانیک ایران، که عضو رسمی ایندستریال می باشد، و در کارزار اخیر خود خواستار بهبودهای قابل توجهی از جمله الگوهای شیفت بهتر، حذف دلالان نیروی کار، افزایش دستمزد و محیط کاری امن و سالم‌تر برای کارگران پر.ژه ای شده است، حمایت کامل و همبستگی خود را اعلام می دارد.
فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری - ایندستریال- ، حمایت و همبستگی کامل خود را از هزاران کارگر پروژه‌ای در میادین نفت و گاز ایران که از تاریخ ۲۰ ژوئن (31 خرداد ماه 1403) برای مطالبه شرایط کاری منصفانه دست به اعتصاب زده‌اند، ابراز می‌دارد و از همه اتحادیه‌های وابسته خود در سراسر جهان می‌خواهد تا در نامه‌های مشابهی در حمایت از این کارگران پروژه ای اعتصابی برای پیشبرد اهدافشان به فعالان سندیکایی ما در ایران ارسال کنند.
دبیرکل ایندستریال، آتل هویه، نامه ای در همبستگی با کارگران اعتصابی ارسال کرده است که ترجمه فارسی آن در شماره قبل نامه مردم منتشر شد.
با بهترین احترامات،
دیانا جونکوئرا کیوریل،
دبیرکل بخش انرژی

ادامه در صفحهٔ ۱۰

ادامهٔ همبستگی سندیکاهای بزرگ ...

فدراسیون جهانی سندیکایی ایندستریال

اعلام همبستگی سندیکای کارگران شیمیایی، انرژی، و معادن اندونزی (CEMWU)با کارگران پروژه‌یی اعتصابی در میدان‌های نفت و گاز در ایران

جاکارتا، اندونزی
۲ ژوییه ۲۰۲۴ [۱۲ تیر ۱۴۰۳]
برادران و خواهران عزیز،
من این نامه را از طرف سندیکای کارگران شیمیایی، انرژی، و معادن اندونزی (CEMWU)و به‌نمایندگی از بیش از ۲۶هزار کارگر شاغل در زنجیرهٔ تأمین تولید، از جمله در صنایع انرژی و معدن، به شما می‌نویسم. من این نامه را می‌نویسم تا همبستگی کامل خودمان را با اعتصاب سراسری شما اعلام کنیم که از ۲۰ ژوئن آغاز شده و خواستار شرایط کاری عادلانه است. ما حمایت کامل خودمان را از این اعتصاب شما اعلام می‌کنیم.
با توجه به اطلاعاتی که از سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران (UMMI) دریافت شده است- که از اعضای پیوستهٔ اتحادیهٔ جهانی ایندستریال (IndustriALL)است- سندیکای ما حمایتش را از خواست‌های شما برای تغییرات اساسی در شرایط کار و الگوهای شیفت‌کاری و همچنین پایان دادن به استفاده از شرکت‌های تأمین نیروی انسانی اعلام می‌کند. این شرکت‌ها اساساً دلالان نیروی کار هستند که به‌عنوان واسطه در رابطهٔ استخدامی میان کارگران و کارفرمایان اصلی عمل می‌کنند.
ضروری است که همهٔ شرکت‌های فعال در بخش‌های نفت و گاز شرایط کاری را به‌طور اساسی بهبود بخشند تا با شرایط کار رایج در شرکت‌های دولتی و تحت نظارت دولت همخوان باشد. بنابراین، برنامهٔ کار چرخشی ۱۴ روز کار و ۱۴ روز تعطیلی با حقوق باید اعمال شود. همچنین، آژانس‌های کاریابی [دلالان نیروی انسانی] باید حذف شوند، به قراردادهای کاری ناپایدار و بدون مزایا پایان داده شود، و مزدها مطابق با جدول‌هایی افزایش داده شود که "کمپین مطالبات کارگران پروژه‌یی" متناسب با تجربهٔ کاری، بغرنجی کار، آموزش و مهارت‌های فنی، و محل و منطقهٔ کار تهیه کرده است. کارگران اعتصابی باید از محیط کار ایمن‌تر و سالم‌تر برخوردار باشند که شامل بهبود وضع نظافت و بهداشت در خوابگاه‌ها، کیفیت بهتر غذا در غذاخوری‌ها، و بهبود سرویس رفت‌وآمد و نصب کولر و تهویهٔ مناسب است، چون در برخی مناطق، دمای هوا به بیش از ۵۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد.
خواهران و برادران،
شما تنها نیستید. اعتراض شما با صدای بلند در سراسر جهان شنیده می‌شود. سندیکای کارگران شیمیایی، انرژی، و معادن اندونزی همراه با اتحادیهٔ جهانی ایندستریال با مبارزه و خواست‌های عادلانهٔ شما اعلام همبستگی می‌کند.
با همبستگی،
هیئت مدیرهٔ سراسری فدراسیون سندیکای کارگران شیمیایی، انرژی، و معادن

ر. عبدالله (رئیس) و عفیف یوهان (دبیرکل)
رونوشت:
۱. صدر فدراسیون
۲. رامون کورتزا، مسئول دفتر منطقه‌یی ایندستریال

حزب کمونیست آمریکا:
همبستگی با کارگران اعتصابی نفت، گاز و پتروشیمی ایران!
همبستگی با حزب تودهٔ ایران!

COMMUNIST PARTY USA
International Department

۱۰ ژوییه ۲۰۲۴ [۲۰ تیر ۱۴۰۳]
کمیسیون کارگری و شعبهٔ بین‌المللی حزب کمونیست آمریکا بیانیهٔ مشترکی در همبستگی با ۲۰هزار کارگر اعتصابی در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی ایران منتشر کرده‌اند. اعتصاب سراسری [این کارگران] روز ۲۰ ژوئن در ایران آغاز شد که از آن زمان تا کنون به بیش از ۱۱۰ شرکت گسترش یافته است. اعتصاب‌کنندگان خواستار افزایش مزد، قراردادهای استخدام دائم، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز مرخصی با حقوق (که "کمپین ۱۴-۱۴" نامیده می‌شود)، بهبود وضع خوابگاه‌ها، افزایش اقدامات ایمنی، و حذف پیمانکاران دلال فاسد هستند. شورای سازمان‌دهی اعتراض‌های کارگران پیمانی نفت، که با نام "ارکان ثالث" نیز شناخته می‌شوند، از این کارگران خواسته است که در اعتصاب‌ها شرکت کنند. این شورا هشدار داده است که اگر خواست‌های کارگران برآورده نشود، اعتصاب‌ها گسترده‌تر خواهد شد.
مداخلهٔ امپریالیستی آمریکا سهم مهمی در ایجاد اوضاع وخیم اقتصادی کنونی ایران داشته است. منافع امپریالیستی آمریکا در ایران به‌طور عمده با ذخایر گستردهٔ نفت آن کشور و تمایل غرب به سلطه بر این منابع طبیعی ارزنده گره خورده است. اوضاع کنونی مردم ایران ریشه در عملکرد شرکت‌های بزرگ نفتی در دههٔ ۱۹۵۰ [۱۳۳۰] دارد که کودتایی به رهبری سیا را سازمان‌دهی کردند و دولتی را که در روندی دموکراتیک انتخاب شده بود سرنگون و شاه را به‌جای آن برگماشتند که خودکامه‌ای طرفدار غرب بود.
تحریم‌های اقتصادی مداوم و انزوایی که آمریکا بر ایران تحمیل کرده است باعث تشدید سختی‌هایی شده است که مردم ایران با آنها روبه‌رو هستند. علاوه بر این، حکومت اقتدارگرایانهٔ رژیم مذهبی کنونی و طبقهٔ حاکم بر ایران با سرکوب حقوق طبقهٔ کارگر ایران در عرصهٔ سازمان‌دهی صنفی برای بهبود مزد و شرایط کار موجب تداوم و تشدید ظلم و ستم شده است.
کارگران نفت و گاز ایران، که به‌طور سنتی وضع شغلی و درآمدی خوبی داشته‌اند، در سال‌های اخیر بیش از پیش به استخدام شرکت‌های دلال نیروی انسانی درآمده‌اند که کمتر از نرخ معمول بازار کار به آنها مزد می‌پردازند و شرایط کاری دشواری را به آنها تحمیل می‌کنند.
در سال ۲۰۲۱ نیز اعتصاب مشابهی در ایران صورت گرفت. در آن اعتصاب ۱۱۰هزار کارگر نفتی به‌دلیل مسائلی مانند قراردادهای موقت، مزدهای کم، به رسمیت شناخته نشدن [شکل‌گیری و فعالیت] سندیکاها، شرایط بد زندگی، و فعالیت پیمانکاران دولتی دست به اعتصاب زدند. این پیمانکاران به تعهدات خود در پرداخت سهم کارفرما به صندوق تأمین اجتماعی کارگران عمل نمی‌کردند.
مانند کشور ما آمریکا، طبقهٔ کارگر در سراسر جهان به حرکت درآمده است. کارگران خواستار پایان یافتن رکود مزدی، شرایط کاری وخیم، استخدام پیمانی و قراردادی، حذف یا کاهش مزایا و حقوق بازنشستگی، و خواهان رعایت حقوق دموکراتیک برای پیوستن به سندیکاها و چانه‌زنی جمعی‌اند. فقط در سال گذشته در حدود نیم میلیون کارگر آمریکایی در موج نوینی از کنش جمعی دست از کار کشیدند. در همین مدت، میزان اعتصاب‌های عمده در کشور ما ۲۸۰درصد افزایش یافت.
حزب کمونیست آمریکا همبستگی کامل خود را با کارگران اعتصابی ایران، با حزب تودهٔ ایران، و با مبارزهٔ عادلانهٔ آنها در راه تحقق صلح، تأمین حقوق قانونی، آزادی‌های سندیکایی، و عدالت اجتماعی ابراز می‌کند.
ما بار دیگر بر درخواست خود مبنی بر پایان دادن به دخالت دولت آمریکا در امور ایران تأکید می‌کنیم. ما از طبقهٔ کارگر آمریکا می‌خواهیم که به مبارزه با تهدید جنگ ادامه دهد و برای تحقق صلح سازمان‌دهی و پیکار کند.
پیروز باد طبقهٔ کارگر و انترناسیونالیسم کمونیستی!
شعبهٔ بین‌المللی حزب کمونیست آمریکا
کمیسیون کارگری حزب کمونیست آمریکا

ادامه در صفحهٔ ۱۱

برگزاری موفقیت‌آمیز سی‌ودومین کنگره حزب کمونیست آمریکا

شرکت نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره و ابراز همبستگی با مبارزه مبتکرانه و موفق کمونیست های آمریکایی

سی‌ودومین کنگره حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا بین روزهای ۱۸ تا ۲۰ خردادماه ۱۴۰۳ در کلان‌شهر شیکاگو در ایالت ایلینویز برگزار شد. سی‌ودومین کنگره حزب برادر در شرایطی برگزار می‌شد که نه فقط افول سیاسی آمریکا بلکه همچنین نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری که قرار است در آبان‌ماه برگزار شود ماه‌ها مورد توجه و بحث فعالان سیاسی در داخل و خارج کشور بوده است. در هفته‌های قبل از برگزاری کنگره، تحصن فعال و طولانی‌مدت هزاران دانشجوی آمریکایی در صحن معروف‌ترین دانشگاه‌های آمریکا در اعتراض به تصمیم جنایتکارانه دولت آمریکا در حمایت همه‌جانبه از سیاست‌های ضد انسانی دولت اسراییل جو سیاسی‌ای ویژه در کشور به‌وجود آورده بود. سی‌ودومین کنگره حزب کمونیست در روز ۱۸ خردادماه ۱۴۰۳ (۷ ژوئن ۲۰۲۴) رسماً آغاز به کار کرد. رفیق "جو سیمز"، یکی از دو صدر حزب کمونیست آمریکا در پنج سال اخیر، از تمام فعالیت‌های حزب کمونیست آمریکا از سی‌ویکمین کنگره تا لحظهٔ آغاز کنگرهٔ سی‌ودوم، از عرصه‌ها و نقطه‌عطف‌های مبارزه طبقه کارگر آمریکا، از مبارزه سازمان جوانان حزب، از مبارزه برای سازمان‌دهی گسترده طبقه کارگر و تلاش مشترک حزب و کارگران و دانشجویان آمریکا برای صلح و همچنین در حمایت از مبارزه مردم فلسطین، علیه سیاست نسل‌کشی اسرائیل، و اقدام‌های جنایتکارانه دولت فاشیستی نتانیاهو در غزه، گزارشی جامع برای نمایندگان حاضر در کنگره ارائه کرد. به دعوت رهبری حزب برادر ، نمایندهٔ کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران در این کنگره مهم شرکت کرد. رفیق نماینده حزب پیام کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران را به هیئت رئیسه کنگره تقدیم داشت و درعین‌حال فرازهایی از این پیام همبستگی حزب‌مان را برای نمایندگان کنگره خواند وهمچنین در طول زمان برگزاری کنگره با نمایندگان کنگره و نمایندگان دیگر حزب‌های برادر تبادل نظرهایی متعدد داشت. نماینده حزب‌مان با توجه به علاقه عده‌ای از رفقای حاضر در کنگره به تحولات اخیر ایران و آگاهی از تحلیل‌های حزب تودهٔ ایران در این ارتباط و نیز مشخصه‌های سیاست‌های درپیش گرفته شدهٔ کنونی و آتی حاکمیت در جلسه‌ای در حاشیه کنگره به سؤال‌های آنان در این زمینه پاسخ و توضیح داد. نماینده حزب‌مان با نمایندگان حزب کمونیست اسرائیل و همچنین حزب کمونیست شیلی دیدار و تبادل نظرهایی داشت که در آینده نزدیک در مصاحبه‌هایی در ارتباط با تحولات این کشورها در "نامه مردم" منتشر خواهند شد. نمایندگانی از حزب کمونیست کوبا، حزب کمونیست ویتنام، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست اسرائیل، و همچنین حزب کمونیست کانادا نیز در سی‌ودومین کنگره حزب کمونیست آمریکا و در مباحثات آن حضور فعال داشتند و ضمن ارائهٔ پیام‌های همبستگی به کنگره و نیز در رابطه با شرایط مبارزهٔ طبقهٔ کارگر کشورهای‌شان به نمایندگان کنگره توضیح دادند. در دومین روز برگزاری کنگره، یکی از رهبران حزب کمونیست اسرائیل و عضو پارلمان این کشور- با سازمان‌دهی تکنیکی‌ای از قبل به‌وسیلهٔ نماینده حزب کمونیست اسرائیل در کنگره- به صورت آنلاین و از طریق ارتباط اینترنتی از مبارزه حزب کمونیست اسرائیل و جبهه هاداش در اسرائیل و مبارزه مردم و به ویژه زنان اسرائیل گزارشی جامع به نمایندگان کنگره داد. در دومین روز همچنین علاوه بر ارائه مباحثی دربارهٔ دمکراسی، صلح، و سازمان‌دهی کارگران در اتحادیه‌های کارگری، نمایندگان در بحث‌هایی که توسط پانل‌های پنج یا شش نفره منتخب در صحن کنگره در زمینه مسائل مختلف کارگری و بین‌المللی که به‌صورت جداگانه ارائه می شد نیز شرکت کردند. از جمله مسایل مهمی که در دومین روز جریان کنگره مورد بحث قرار گرفت نحوهٔ برخورد حزب کمونیست آمریکا با شور و شوق طرفداران حزب دمکرات برای شرکت در انتخابات پیش روی و حمایت از نامزدی ریاست‌جمهوری "جو بایدن" (رئیس‌جمهور فعلی) و همین‌طور بحث دربارهٔ خطر جدی تلاش ترامپ برای پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده (در ماه نوامبر / آبان سال جاری) و تهدید فاشیسم در آمریکا بود. بحث‌های دومین روز کنگره در ارتباط با موج محسوس و قدرتمند اعتراض‌های گسترده دانشجوئی و کارگری در واکنش به حمایت "بایدن" از سیاست‌های جنایتکارانه "نتانیاهو" در کشتار مردم فلسطین، به‌ویژه در غزه، با حساسیت ویژه‌ای جریان یافت. بسیاری از نمایندگان کنگره خواستار تجدیدنظر در تصمیم حزب برای رأی دادن به "بایدن" در انتخابات آینده بودند. با وصف اینکه بسیاری دیگر از نمایندگان هم مخالف چنین امری بودند، کنگره تصمیم گرفت که کمیته ملی حزب (کمیته

ادامه در صفحهٔ ۱۳

ادامهٔ همبستگی سندیکاهای بزرگ ...

به کارگران اعتصابی در میدان‌های نفت و گاز ایران

همبستگی کنفدراسیون سراسری کار فرانسه (ث‌ژت) با کارگران پروژه‌یی اعتصابی در میدان‌های نفت و گاز ایران

۱۰ ژوییه ۲۰۲۴ [۲۰ تیر ۱۴۰۳]

همکاران و رفقای گرامی،

به‌نمایندگی از فدراسیون انرژی و معدن ث‌ژت (CGT)حمایت کامل و تزلزل‌ناپذیر خود را از مبارزهٔ برحق شما برای داشتن شرایط کاری مناسب و عادلانه اعلام کنیم. عزم و شجاعت شما در مواجهه با سختی‌ها نشان‌دهندهٔ نیاز مبرم به تغییرات بنیادی برای برآورده شدن خواست‌های شما است.

مبارزهٔ شما برای ساعت‌های کاری معقول و برخورداری از زندگی شخصی شایسته پیکاری حیاتی است. تحمیل ساعت‌های کار طولانی و در نظر نگرفتن سلامت و رفاه و آسایش کارگران دیگر پذیرفتنی نیست. ضروری است که برای تعیین و تنظیم ساعت‌های کار مناسب و عادلانه اقداماتی انجام شود تا تعادل مناسب بین کار و زندگی شخصی برای کارگران فراهم آید.

قراردادهای ناپایدار یکی دیگر از واقعیت‌های غیرقابل‌قبول است که شما روزانه با آن روبه‌رو هستید. هر کارگری سزاوار داشتن امنیت شغلی و شغل باثبات و شرایط قراردادی مناسب است که در آن به کرامت و حقوق فرد احترام گذاشته شده باشد. در محیط کاری که به افراد احترام گذاشته شود بی‌ثباتی دیگر جایی ندارد.

درخواست شما برای برخورداری از مزد عادلانه متناسب با مهارت و تلاشی که می‌کنید کاملاً برحق است. با توجه به تخصص و تعهد هر کارگر، مزد عادلانه باید به او پرداخت شود. مزد عادلانه نه‌فقط حق کارگر، بلکه شرط ضروری برای داشتن انگیزه و رضایت شغلی است.

وضع بهداشت و سلامت مناسب در محل کار نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. هر فردی حق دارد در محیطی بهداشتی و ایمن و عاری از خطر برای جان و سلامتش کار کند. معیارهای بهداشتی باید دقیقاً و کاملاً رعایت شود تا ایمنی و آسایش همه تضمین شود.

رفاه و آسایش کارگران، از جمله دمای قابل‌تحمل با نصب کولر و تهویهٔ کافی، ضرورتی اساسی است. دمای طاقت‌فرسا، بدون اقدامات حفاظتی مناسب برای کارگران، می‌تواند پیامدهای جدی برای سلامت و بهره‌وری کارکنان داشته باشد. بسیار مهم است که اقداماتی برای تأمین شرایط کاری انسانی و ایمن صورت گیرد.

مبارزهٔ شما عادلانه و سزاوار شنیده شدن است. بدانید که در این مبارزه تنها نیستید. صداهای بسیاری در سراسر جهان به شما پیوسته‌اند و خواستار عدالت، انصاف، و احترام به حقوق کارگران شده‌اند. ما کاملاً از شما حمایت می‌کنیم و امیدواریم که به خواست‌های شما بی‌درنگ و با نظر مطلوب رسیدگی شود.

با همبستگی،

ماریل مارسیلو

دبیر روابط بین‌المللی اروپا

افول «گروه هفت»

از ۱۳ تا ۱۵ ماه ژوئن ۲۰۲۴ / ۲۴ تا ۲۶ خردادماه ۱۴۰۳، رهبران کشورهای "گروه هفت" (G7)در مجتمع مجلل تفریحی بورگو اگنازیا (Borgo Egnazia)در بندر ساولتری (Savelletri)در ایتالیا گرد هم آمدند. سراسر فضای این نشست با انفعال همراه بود. همه رهبران "گروه هفت" دارای محبوبیت منفی هستند: نخست‌وزیر بریتانیا، ریشی سوناک (با محبوبیت منهای ۵۴ درصد)، صدراعظم آلمان، الاف شولتس (با محبوبیت منهای ۵۱ درصد)، نخست‌وزیر ژاپن، فومیو کیشیدا (با محبوبیت منهای ۴۰ درصد)، جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا (با محبوبیت منهای ۳۸ درصد)، امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه (با محبوبیت منهای ۳۱ درصد)، رئیس‌جمهور ایالات متحده، جو بایدن (با محبوبیت منهای ۵/۱۸ درصد)، و نخست‌وزیر ایتالیا، جورجیو ملونی با محبوبیت منهای ۱۰ درصد). پیش‌بینی می‌شود که سوناک در انتخابات ۴ ژوئیه/ ۱۴ تیرماه ۱۴۰۳ بریتانیا کنار گذاشته شود [نامزد حزب کارگر پیروز این انتخابات شد] و بایدن نیز در انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده در برابر دونالد ترامپ در ۵ نوامبر/ ۱۵ آبان‌ماه ۱۴۰۳ شکست بخورد. حزب ماکرون در انتخاباتی که او عجولانه خواستار برگزاری آن در در اواخر ژوئن و اوایل ژوئیه بود، ضعیف عمل کرد و این احتمال هست که حزب او به طور قابل توجهی از نیروهای راست افراطی یا اتحاد مردمی چپ شکست بخورد ["ائتلاف جبههٔ مردمی جدید" (چپ‌ها) اکثر رأی‌ها را در این انتخابات کسب کردند] . این افراد شخصیت‌هایی هستند که رهبران "گروه هفت" را تشکیل می‌دهند: شش مرد که بخت سیاسی‌شان رو به افول است و تنها یک زن که میزبان این نشست بود و دیدگاه‌های فوق‌العاده راست‌گرایانه دارد (او همچنین با "حق سقط جنین" هم مخالف است).

شاید به توجه بیش از حد به نشست رهبران گروه هفت نیازی نباشد، زیرا آنان به‌زودی از مقام رهبری این گروه خلع خواهند شد. آیا بیانیه مورد توافق آنان ، با توجه به تغییر موازنه سیاسی نیروها در کشورهایشان، اعتباری خواهد داشت؟ بی‌گمان نتیجه انتخابات در بریتانیا تأثیر کمی بر سیاست گروه هفت خواهد داشت، زیرا برندهٔ آن (حزب کارگر با رهبر کنونی‌اش کی‌یر استارمر) همان سیاست‌های جنگ‌طلبانه و شوونیستی "گروه هفت" در قبال چین و روسیه را پی خواهد گرفت. ولی نتیجه انتخابات فرانسه (که نخست‌وزیر احتمالاً از جناح راست افراطی خواهد بود، اگرچه ماکرون تا سال ۲۰۲۷ / ۱۴۰۶ باقی خواهد ماند) و نتیجه انتخابات در ایالات متحده، به دلایل عمل‌گرایی ترامپ، کاهش سیاست‌های تهاجمی "گروه هفت" نسبت به روسیه را موجب خواهد شد، اگرچه لزوماً تغییر یافتن جهت‌گیری ضد چینی گروه هفت و متحد نظامی آن، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را سبب نخواهد شد. ترامپ گفته است در صورت بازگشت به کاخ سفید، به امور مربوط به اروپا کم‌تر خواهد پرداخت و به اروپایی‌ها این فرصت را خواهد داد تا خود مشکلات امنیتی‌شان را حل کنند و مالیات دهندگان ایالات متحده هزینه‌ای در این مورد نپردازند. باید دید آیا رأی دهندگان اروپایی به افزایش بودجه‌های نظامی‌شان، افزایشی که امری لازم می‌نماید و ادامه یافتن وضعیت ریاضت اقتصادی در بلندمدت (در حکم پیامد این وضعیت که افزایش بهای سوخت به دلیل کاهش واردات انرژی از روسیه را شامل می‌شود) تمایل دارند یا خیر. نتایج انتخابات پارلمان اروپا نشان می‌دهد اگر همراهی با جهت‌گیری "گروه هفت" و "ناتو" علیه روسیه به‌معنای کاهش سطح زندگی رأی دهندگان اروپایی باشد، آنان- رأی دهندگان اروپایی- تمایلی به این امر نخواهند داشت.

این نشست"گروه هفت" سراسر مملو از تناقض و کاملاً بی‌اساس بود. "گروه هفت" ضمن حمایت کامل از اوکراین در ادامه دادن به جنگ فرسایشی در خاک خودش، بیانیه‌های پرسروصدایی در مورد جنگ نسل‌کُشی اسرائیل علیه فلسطینی‌ها صادر کرد، ولی به‌هیچ‌وجه دولت اسرائیل را محکوم نکرد. تمرکز مداوم بر روسیه و سکوت در مورد اسرائیل موجب شد که این نشست "گروه هفت" فرسوده و بی‌ارتباط با احساسات و خواست‌های نه فقط مردم جهان بلکه شهروندان خود این کشورها (برای نمونه شهروندان ایالات متحده) به‌نظر برسد. اکثریت بزرگی از مردم ایالات متحده خواهان آتش‌بس در غزه هستند. رهبران "گروه هفت" در پس یک معامله خیالی و باور به "موافقت جامع" توهم‌آمیز بایدن در مورد مذاکراتی که در قاهره بین اسرائیل و فلسطین و با میانجیگری مصر و قطر انجام شده بود پنهان شدند. گزارش‌های خبری از این نشست هیچ اشاره‌ای حتی به یک پیشنهاد از سوی این رهبران نداشتند و بیشتر بر گیج بودن بایدن و زیبایی مکان نشست متمرکز می‌شدند. گزارش‌هایی که انحراف از موضوع بوده‌اند. هیچ تحلیل عمده‌ای از پیشنهادی در هیچ یک از گزارش‌های خبری ظاهر نشد، زیرا در ژست‌های توخالی و لفاظی‌های ملال‌آور "بیانیه گروه هفت" واقعاً چیزی برای تحلیل وجود نداشت.

برای نمونه، به آنچه گروه هفت درباره اقتصاد بیان می‌کند توجه کنید. در بیانیه نهایی گفتمانی وجود دارد که می‌توانست در سال‌های دهه ۱۹۹۰/ ۱۳۷۰ در اوج دوران جهانی سازی نوشته شده باشد ("تقویت رشد اقتصادی قوی و فراگیر، حفظ ثبات مالی"). این تحلیل از واقعیت شروع نمی‌شود چرا که واقعیت، اعضای گروه هفت را وادار می‌ساخت بپذیرند اقتصادهای‌شان رشدی کُند دارد، هر رشدی هم که وجود دارد به‌گونه‌ای به‌شدت نابرابر توزیع شده است، کار ناپایدار جایگزین کار شایسته شده است و به نظر می‌رسد برای مردم عادی ریاضت اقتصادی به وضعیتی دائمی تبدیل شده است و این مردم باید بپذیرند رشد جهانی از سوی کشورهای خارج از حیطه گروه هفت (کشورهایی مانند چین و هند) تقویت می‌شود و سیاست‌های جدا شدن از این کشورها لزوماً به این کشورها آسیب نمی‌رساند، بلکه تا حد زیادی بر مشکلات فعلی کشورهای گروه هفت می‌افزاید. سخنان قلدرمآبانه بیشتر در مورد توقیف دارایی‌های روسیه برای پرداخت هزینه سیاست‌های بلندپروازانه گروه هفت، روندی را تسریع خواهد کرد که اکنون بسیاری از کشورهای جنوب جهانی برای حفظ دارایی‌های‌شان به طلا یا ارزهای غیر دلاری یا یورویی به کار گرفته اند، زیرا از مصادره دارایی های‌شان در غرب یا به صورت ارز در سیستم مالی غرب هراسان هستند. سراسر گفتمان "قانون محوری" دیگر برای برخی کشورها (حتی عربستان سعودی که از ترس چنین مصادره‌هایی طرح پنجاه‌ساله دلارهای نفتی را کنار گذاشته است) بی‌معنی شده است. بخش مربوط به اقتصاد جهانی "بیانیه گروه هفت" نیز بر واقعیت مبتنی نیست، بلکه بر اساس چارچوب ایدئولوژیکی از زمان دیگری (در دوران اوج جهانی شدن) است.

یکی از زمینه‌های کلیدی انسجام نداشتن "گروه هفت" در "زنجیرهٔ تأمین" است. گروه هفت خود را به "ساختن اقتصادها و زنجیره‌های تأمین انعطاف‌پذیر" متعهد می‌داند که سخنی است عجیب از سوی کشورهایی که سیاست‌های دولت ایالات متحده را می پذیرند ، سیاست‌های دولت ایالات متحده در رابطه با "جدایی گسترده" از اقتصاد چین (اقتصادی که بزرگ‌ترین شریک تجاری نه تنها اکثر کشورهای جهان، بلکه بسیاری از کشورهای گروه هفت است) و از اقتصاد روسیه (که همچنان به ارائه انرژی با تخفیف بها به بسیاری از کشورهای جنوب جهانی از جمله به هند که نخست‌وزیرش نارندرا مودی مهمان ناظر نشست "گروه هفت" بود). ولی ایده ساختن زنجیره‌های تأمین، حتی اگر از طریق سازمان تجارت جهانی (WTO)باشد، به‌معنای ساختن شبکه‌های حمل و نقل قابل اطمینان برای جهان نیست. این سیاستی است که تا حد زیادی با جنگ سرد جدید ایالات متحده همخوانی دارد. به همین دلیل است که ایالات متحده بحث "زنجیرهٔ تأمین" را به موضوع نیاز به "شناسایی جمعی کالاهای حیاتی، بخش‌های استراتژیک، و زنجیره‌های تأمین برای

ادامهٔ افول گروه هفت ...

هماهنگی آینده در گروه هفت" تبدیل کرده است. همهٔ این بحث به آنچه ایالات متحده ادعا می‌کند جنگ منابع با کشورهایی است که به‌سرعت درحال رشد هستند (بیشترشان در آسیا) و ادعاهای تجاری بر منابع در سراسر جهان دارند مربوط می‌شود. آمریکا معتقد است با چنین ادعاهایی بر منابع طبیعی، در صورت لزوم، باید به زور مقابله شود و مسیر "کالاهای حیاتی" از سوی دولت‌های غربی یا شرکت‌های چندملیتی در مالکیت‌شان، کنترل شود. با اینکه گروه هفت به چین یا سایر کشورهایی که از سیاست‌ها یا مدیریت‌های دولتی پیروی می‌کنند مستقیماً اشاره نمی‌کند، ولی به‌طورکلی نشان می‌دهد که هدف‌های جنگ تجاری گروه هفت کشورهایی هستند که شرکت‌های دولتی دارند و اقتصادشان را از نزدیک مدیریت می‌کنند (برای نمونه، هدف سیاست‌های گروه هفت "یارانه‌های صنعتی مبهم و زیان‌بار، شیوه‌های تحریف‌کننده شرکت‌های دولتی و همه اشکال انتقال اجباری فناوری" است). بحث در مورد زنجیره‌های تأمین زیر عنوان اقتصاد جهانی، نه فقط پیرامون محور ایجاد اقتصادی دوگانه می‌چرخد، بلکه در تلاش برای نظامی کردن خطوط عرضه کالا با سوءاستفاده از کنوانسیون ۱۹۸۲ / ۱۳۶۱ در مورد قوانین دریاها است (قوانینی که از جانب ایالات متحده تصویب نشد، اما بااین‌همه، از مفهوم "آزادی دریانوردی" ناشی از این کنوانسیون، علیه هر کسی [حکومتی] که می‌خواهد حاکمیت بر آب‌هایش را اعمال کند، سوءاستفاده می‌کند، مانند اِعمال حاکمیت یمنی‌ها بر بخشی از "دریای سرخ" و ایرانی‌ها بر بخشی از "خلیج فارس" که سرحد دریایی سرزمین‌شان را تشکیل می‌دهد).

به‌رغم شعارهای لیبرالی دربارهٔ "امنیت غذایی" و "توسعهٔ پایدار"، تمرکز اصلی نشست اخیر "گروه هفت" بر تعمیق جنگ سردی تازه علیه روسیه و چین بود. میلیاردها دلار (میلیاردها دلاری که کشورهای گروه هفت از آن‌ها برای بهبود شرایط اشتغال و زیرساخت‌های کشورشان می‌توانستند استفاده کنند) برای ادامه یافتن جنگ به اوکراین سرازیر شده است، جنگی که به بن‌بست رسیده است و فقط با حرکت در مسیرهای خطرناک (اگر کشورهای ناتو به اوکراین اجازه دهند با سلاح‌های ناتو به قلمرو روسیه حمله کند) می‌تواند پیش برود. برای خواننده‌ای که به سلطه ابدی گروه هفت معتقد نیست، متن نهایی "بیانیه گروه هفت" مالامال از تحریف‌های چشمگیر است. رهبران گروه هفت می‌گویند: "ایران باید اقدام‌های بی‌ثبات‌کننده‌اش را متوقف کند"، ولی این "باید" در چارچوب جنگ نسل‌کشی اسرائیل علیه فلسطینی‌ها و حمله‌های اسرائیل به دیپلمات‌های ایرانی در سوریه عجیب به‌نظر می‌رسد. "اسرائیل" که از جانب شمال جهانی حمایت می‌شود و "ناتو" که از حمایت گروه هفت برخوردار است نیروهای بی‌ثبات کننده در جهان هستند. اینکه گروه هفت بی‌ثبات کننده بودن خودش را قبول کند امری خارج از تصور است، ولی در واقعیت امر، حقیقت همین است! هنگامی که گروه هفت نشست آتی‌اش را در سال ۲۰۲۵ / ۱۴۰۴ در آلبرتای کانادا تشکیل دهد، چهره سیاسی‌ای متفاوت خواهد داشت و با جهانی روبرو خواهد شد که حتی کم‌تر از حال حاضر به پیشنهادات "گروه هفت" توجه خواهد کرد. این وضعیت، در واقع، افول گروه هفت است.

[نوشتهٔ ویجی پراشاد، برگرفته از نشریه "دموکراسی خلقی"، ارگان رسمی حزب کمونیست هند(مارکسیست)].

ادامهٔ برگزاری موفق ۳۲مین کنگره حزب ...

مرکزی حزب کمونیست آمریکا) در این مورد بحث کرده و با در نظر گرفتن تمامی عامل‌های مهم در رابطه با آن سپس تصمیم بگیرد. در طول زمان برگزاری کنگره همچنین مراسمی به‌مناسبت صدمین سالگرد انتشار نشریهٔ حزب کمونیست آمریکا برگزار شد که علاوه بر سخنرانی و گزارش رفیق "روزنا کامبرون"، صدر دوم حزب کمونیست آمریکا و دیگر رفقای رهبری حزب کمونیست آمریکا، رفیق "اسف تلگوم"، سردبیر نشریه حزب کمونیست اسرائیل و همچنین نماینده‌های حزب‌های حاضر در کنگره نیز سخنرانی کردند. در شامگاه روز دوم کنگره ضیافت شامی ویژه که در آن نمایندگان حزب‌های برادر مهمان در کنگره به‌همراه ده تن از اعضای حزب کمونیست آمریکا که در مسائل بین‌المللی فعال هستند، برگزار شد.

پیام حزب تودهٔ ایران به سی‌ودومین کنگرهٔ حزب کمونیست آمریکا

رفقای گرامی،

خواهش می‌کنم گرم‌ترین درودهای همبستگی برادرانه اعضای حزب و کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران را بپذیرید. ما برای کنگرهٔ شما آرزوی موفقیت می‌کنیم. ما در حزب تودهٔ ایران همواره مبارزات شما برای صلح و مواضع انترناسیونالیستی‌تان، دستاوردهای شما در سازمان‌دهی کارگران آمریکا را به‌دقت دنبال کرده و مایلیم به ضرورت توسعه روابط نزدیک میان حزب‌های‌مان تأکید کنیم. ما همچنین از این فرصت استفاده کرده و از همبستگی فعال حزب کمونیست آمریکا با کارگران و زحمتکشان ایران در مبارزهٔ دشوارشان برای دستیابی به دمکراسی، رعایت حقوق بشر، برقراری عدالت اجتماعی و توسعه مسالمت‌آمیز علیه رژیم دینی، و به‌طورهم‌زمان مقاومت در مقابل هرگونه دخالت خارجی در میهن‌مان قدردانی کنیم.

رفقای گرامی،

ما به مبارزه کمونیست‌های آمریکا علیه سیاست‌های راستگرایانه حزب جمهوری‌خواه و سیاست‌های دولت حزب دمکرات با هدف تحلیل بردن نقش حزب کمونیست آمریکا در ترویج جنبش‌های اتحادیه‌ای احترام می‌گذاریم. حمایت مالی قوی دولت بایدن از رژیم نژادپرست اسرائیل در کشتار دسته‌جمعی مردم فلسطین در غزه و جنگ اوکراین که هر دو سیاست امپریالیستی می‌باشند، و سیاست خطرناک آمریکا در رابطه با چین، صلح جهانی را شدیداً تهدید می‌کنند.

رفقای گرامی،

مبارزهٔ مردم ایران برای دمکراسی، حقوق بشر، و عدالت اجتماعی نیز در شرایط دشواری جریان دارد. خیزش‌های مردمی سال‌های اخیر، به‌خصوص جنبش "زن، زندگی، آزادی"، جنبشی که دربردارندهٔ مبارزهٔ قهرمانانهٔ زنان ایران علیه حجاب اجباری و اعتصاب‌های قهرمانانه و مستمر کارگران در صنایع مختلف هستند در واقعیت امر زمین را زیر پای رژیم دیکتاتوری دینی به‌لرزه درآورده است. مقابلهٔ وحشیانهٔ رژیم علیه معترضان کشته شدن صدها نفر و موج گستردهٔ دستگیری، بازداشت، زندانی، شکنجه، ناپدید شدن‌های اجباری، و اعدام‌ها با هدف حفظ و ادامه حاکمیت دیکتاتوری را موجب شده است. انتخابات ساختگی ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰، انتخابات مجلس در اسفندماه ۱۴۰۲، و شوی انتخاباتی دور اول و دوم ریاست‌جمهوری چهاردهم در تیرماه ۱۴۰۳ با تحریم بی‌سابقه مردم مواجه شدند. در یک‌چنین شرایطی، حزب تودهٔ ایران مرتباً از نیروهای دمکراتیک کشور خواسته است برای مقابله و شکست دادن طرح‌های شیطانی رژیم در جبهه‌ای ضددیکتاتوری متحد شوند. حزب ما مکرر تأکید کرده است نیروهای اجتماعی‌ای همچون نیروی جوانان، دانشجویان، زنان، و به‌خصوص طبقه کارگر، نیروهای اصلی در مبارزه برای به‌وجود آوردن تغییرهای بنیادی‌اند. ما مرتباً هشدار داده‌ایم تا زمانی که جنبش مترقی نتواند بر مانع‌های سازمان‌دهی و اتحادِ عمل غلبه کند، نیروهای ارتجاعی قدرت خنثی کردن اقدام‌ها برای سازمان‌دهی در جهت پایان دادن به حاکمیت‌شان را خواهند داشت. حزب تودهٔ ایران به تلاش‌هایش برای سازمان‌دهی توده‌ها ادامه می‌دهد و عمیقاً بر این باور است که اگر جنبش مردمی کنونی برای تغییرهای بنیادی سازمان‌دهی و متحد شود، می‌تواند در جهت به‌قدرت رساندن حکومتی ملی دمکراتیک و غیردینی مسیر را هموار سازد. حزب ما، ضمن محکوم کردن شدید هر نوع دخالت خارجی از سوی امپریالیسم آمریکا و متحدان ارتجاعی‌اش، سیاست‌های ماجراجویانهٔ جمهوری اسلامی توسط نیروهای متحدش در منطقه را محکوم کرده و می‌کند.

رفقای گرامی،

ما بار دیگر موفقیت همه‌جانبهٔ سی‌ودومین کنگرهٔ ملی شما در بحث، تدقیق، و تصویب طرح‌های تاکتیکی و استراتژیک حزب کمونیست آمریکا در مبارزه برای تغییرات ترقی‌خواهانه در کشورتان را صمیمانه آرزو می‌کنیم.

پایدار باد روابط برادرانه میان حزب کمونیست آمریکا و حزب تودهٔ ایران!

برقرار باد همبستگی بین‌المللی!

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

شکست سنگین انتخاباتی محافظه کاران در بریتانیا

حزب کارگر در انتخابات پارلمانی بریتانیا به پیروزی چشمگیری دست یافت، ولی نیروهای چپ بریتانیا با انتقاد از منطق پذیرش سیاست‌های نولیبرالی اقتصادی از سوی این حزب و ادامه عضویت بریتانیا در "ناتو" و نظامی‌گری در دولت این حزب، دولت جدید حزب کارگر را به چالش طلبیده‌اند. جالب است که امپراتوری‌های مطبوعاتی راست و پوپولیست بریتانیا در ماه‌های اخیر در اقدامی حساب شده و معنادار حمایت سنتی‌شان از حزب "محافظه‌کار" را قطع کردند و حمایت از حزب کارگر را کلید زدند. در ۱۹۹۷ / ۱۳۷۶ نیز همین پدیده در رابطه با انتخاب "تونی بلیر" و حامیان حزب کارگر جدید به قدرت اتفاق افتاده بود.

با پیروزی چشمگیر حزب کارگر در انتخابات پارلمانی بریتانیا، چهارده سال حکومت فاجعه‌بار حزب محافظه‌کار در صبح جمعه گذشته (۱۶ تیر ماه) به پایان رسید. نخست‌وزیر جدید، "کی یر استارمر"، در همان ساعات نخست پیروزی حزبش گفت: "روند تغییر اکنون آغاز می‌شود و باید صادقانه بگویم که احساس خوبی دارم. چهار سال‌ونیم کار برای تغییر دادن حزب برای رسیدن به این هدف: یک حزب کارگر تغییر یافته و آماده کردن آن برای خدمت به کشورمان و بازگرداندن بریتانیا برای خدمت به مردم زحمتکش".

"استارمر" روز جمعه ۱۶ تیرماه در مقام هفتمین نخست‌وزیر حزب کارگر به ساختمان نخست‌وزیری در خیابان داونینگ وارد شد و در رأس اکثریتی مشابه اکثریت سال ۱۹۹۷ / ۱۳۷۶ در مجلس عوام قرار گرفت. حزب کارگر در این انتخابات ۴۱۲ کرسی به‌دست آورد. با این حال، پیروزی چشمگیر او احتمالاً یکی از تلخ ترین پیروزی‌های انتخاباتی در تاریخ است، زیرا در واقعیت امر حزب کارگر در این انتخابات کم‌تر از ۳۶ درصد از آرای ممکن را کسب کرد که بسیار کم‌تر از نتایج نظرسنجی‌ها و بسیار کم‌تر از میزان آرایی است که در سال ۲۰۱۷ / ۱۳۹۶ در دورهٔ رهبری "جرمی کوربین" همراه با ارائهٔ برنامه‌ای چپ، طرفدار زحمتکشان، و ترقی‌خواهانه، به‌دست آورده بود.

پیروزی "کوربین" با کسب تعداد ۲۴٬۱۲۰ رأی در انتخابات حوزه ایزلینگتون شمالی در مقام داوطلبی مستقل در مقابل "پرافول نرگوند"- نامزد تحمیلی حزب کارگر- با کسب تعداد ۱۶٬۸۷۳ رأی هشداری به استارمر در کنار پیروزی وی بود. کوربین صبح جمعه استارمر را به چالش کشید و گفت: "می‌توان مؤدبانه گفت برنامه ارائه شده به‌وسیلهٔ استارمر بسیار ضعیف است و جایگزین اقتصادی‌ای جدی برای آنچه دولت محافظه‌کار انجام می‌دهد نمی‌تواند باشد." کوربین گفت: "بنابراین، مطالبات مردم از او بسیار زیاد خواهد بود. اگر این آزادی عمل را به دولت خود ندهید که بودجه نیازهای مبرم اجتماعی را افزایش دهید، فکر می‌کنم مشکلات سیاسی به‌وجود خواهند آمد. برای نمونه، اگر دولت سقف کمک هزینه برای دو فرزند را لغو کند، من خوشحال خواهم شد. ولی اگر این کار را نکند، من آنجا خواهم بود و می‌گویم: چرا این کار را نکردید؟ اگر کنترل اجاره در بخش خصوصی را اجرا کنند، آفرین خواهیم گفت. ولی اگر این کار را نکنند، من آنجا خواهم بود. زیرا این رأی نشان می‌دهد که مردم واقعاً می‌خواهند یک صدای واقعی و مستقل در پارلمان داشته باشند که از عدالت اجتماعی حمایت کند."

نخست‌وزیر برکنار شده، "ریشی سوناک"، با پذیرش شکست گفت: "مردم بریتانیا در این انتخابات حکم هوشمندانه‌ای دادند. نکات آموزنده زیادی برای یادگیری و تأمل وجود دارد و من مسئولیت این شکست را می‌پذیرم." حزب محافظه‌کار در پارلمان جدید ۱۲۱ کرسی دارد که حدود ۶۰ درصد کاهش یافته است و با در نظر گرفتن حدود ۲۳ درصد سهم رأی، پایین‌ترین تعداد کرسی در تاریخ این حزب است.

خانم "لیز تراس"، نخست‌وزیر پیشین بریتانیا، و چند نفر از اعضای کابینه از جمله وزیران دفاع، آموزش، دادگستری، و علوم، ده‌ها وزیر دیگر و نیز "پنی موردانت"، معاون پارلمانی دولت محافظه‌کار، جزو شخصیت‌های بلندپایه‌ای هستند که کرسی‌های‌شان را در مجلس از دست دادند.

این نتیجه برای حزب محافظه‌کار فاجعه‌بار است، هرچند بهتر از برخی نظرسنجی‌های هفته آخر کارزار انتخاباتی است که پیش‌بینی می‌کردند تعداد کرسی‌های آن‌ها به عددی دو رقمی کاهش یابد. حزب "رفورم" (اصلاحات) پنج کرسی و حزب سبزها چهار کرسی کسب کردند، به‌طوری که هر دو رهبر حزب سبز، کارلا دنیر و آدریان رمزی انتخاب شده‌اند و اولی توانست نامزد حزب کارگر، تاگنام دبانر، که عضو دولت سایه حزب کارگر بود را در حوزه مرکزی شهر بریستول شکست دهد.

حزب "اصلاحات" فقط ۵ کرسی به‌دست آورد گرچه در نظر سنجی‌های متعدد پیش بینی شده بود که ۱۳ کرسی را به خود اختصاص داد. رهبر این حزب افراطی راست، نایجل فاراژ، بانکداری میلیونر است که از حوزه انتخاباتی کلکتون از استان اسکس در جنوب شرق انگلستان انتخاب شد. سهم آرای این حزب حدود ۱۴ درصد آرای ریخته شده به صندوق‌های رأی بود، درصدی که نگران‌کننده است، ولی کم‌تر از برخی پیش‌بینی‌های اولیه بود. حزب ملی اسکاتلند (SNP)بیشتر تعداد کرسی‌هایش در مجلس عوام را از دست داد و تنها ۹ کرسی را حفظ کرد، زیرا حزب کارگر دوباره به بزرگ‌ترین حزب در اسکاتلند تبدیل شد، یعنی جایگاهی که برای نسل‌ها داشت و از سال ۲۰۱۵ / ۱۳۹۴ از دست داده بود. حزب لیبرال دموکرات به ۷۲ کرسی دست یافت که جهشی بزرگ از یازده کرسی در سال ۲۰۱۹ / ۱۳۹۸ است و توانست حوزه‌های انتخاباتی‌ای که پیش‌تر به حزب محافظه‌کار متعلق بود در جنوب و غرب انگلستان از جمله حوزه‌هایی که سابقاً در اختیار نخست‌وزیران محافظه‌کار سابق دیوید کامرون و ترزا می بود را به‌دست آورد، ولی سهم آرای آن‌ها تنها به بیش از ۱۱ درصد رسید.

حزب محافظه‌کار همه ۱۴ کرسی خود در ولز را از دست داد و "دیوار سرخ" جوامع صنعتی استان‌های شمالی و میدلندز به حزب کارگر بازگشت و ائتلاف انتخاباتی‌ای که بوریس جانسون در سال ۲۰۱۹/ ۱۳۹۸، هنگام خروج بریتانیا از [اتحادیهٔ] اروپا بنا کرده بود، فرو پاشید. بااین‌همه، این ائتلاف با ائتلافی جدید از حزب کارگر جایگزین نشده است، زیرا حزب محافظه‌کار در بسیاری از مناطق کشور آرای خودش را هم به حزب اصلاحات و هم به حزب سبز (که ۷ درصد آرا را کسب کرد) و همچنین به سوسیالیست‌های مستقل واگذار کرد. این نخستین بار نیست که روش رأی‌گیری "نخست گزینی" -first-past-the-post)موجب مخدوش شدن نتیجه انتخابات شده است، تا آنجا که حزب کارگر، برنده حدود دو برابر تعداد کرسی‌هایی شد که سهم آن از آرا تضمین می‌کرد. این حزب از شکاف آرای جناح راست بین محافظه‌کاران و حزب "اصلاح‌طلبان" بهره برد، ولی به‌نظر می‌رسد که خود این حزب نیز از چند جهت در برابر چالش‌هایی متعدد آسیب‌پذیر می‌تواند باشد.

درگیری‌های درونی حزب محافظه‌کار به‌زودی آغاز خواهند شد و کسانی که به‌دنبال همکاری با حزب اصلاحات نایجل فاراژ و در موضعی ملی‌گرایانه‌پوپولیستی هستند- موضعی که ترکیبی از جنگ افروزی‌های فرهنگی، تحریک علیه مهاجران، و اقتصاد نولیبرال است- در مقابل محافظه‌کاران سنتی طرفدار "ملتی یک‌پارچه" قرار خواهند گرفت. مسیر این مبارزه به این بستگی دارد که کدام‌یک از محافظه‌کاران ارشد پس از پاک‌سازی عظیمی که در این انتخابات به‌وقوع پیوست، جان به‌در برده و در مجلس عوام بعدی حضور داشته و از موضع خود دفاع کنند. این افراد شامل نخست‌وزیر فاجعه‌بار سابق، لیز تراس، نخواهد بود، فردی که در انتخابات کرسی‌اش در حوزهٔ نورفولک که با اکثریتی عظیمی در اختیار داشت را به حزب کارگر باخت.

محافظه‌کاران برجسته دیگری که از کرسی خود برکنار شدند عبارتند از: جیکوب ریس-موگ، از آریستوکرات های بی‌مصرف، لیام فاکس، وزیر دفاع سابق، و اعضای کابینه پیشین: پنی موردانت، گرنت شاپس، جیلیان کیگان، الکس چالک، لوسی فریزر، و میشل دونلان. جرمی هانت، وزیر دارایی، به‌سختی توانست کرسی‌اش در حوزه انتخابیه ساری را حفظ کند. استارمر نیز شاهد کاهش شدید حمایت از خود بود، به‌گونه‌ای که تنها نیمی از آرای حوزهٔ هالبورن و سنت پانکراس را که در سال ۲۰۱۹ / ۱۳۹۸ کسب کرده بود به‌دست آورد که کاهشی بسیار دارد. در این حوزه، چالش‌گر مستقل طرفدار غزه، اندرو فینشتاین، با بیش از ۷٬۳۰۰ رأی در جایگاه دوم قرار گرفت.

شوکت آدام، یکی دیگر از نامزدهای مستقل طرفدار غزه، در لستر جنوبی به‌طرزی شگفت‌انگیز وزیر سایه کار و امور

ادامه در صفحهٔ ۱۵

ادامهٔ «جبههٔ متحد نوین »چپ فرانسه ...

نوین تنها ائتلافی است که تأمین مالی برنامه‌اش را با کمک اقتصاددانان و متخصصان امور مالی دولتی تدوین و ارائه کرده است.

نامهٔ مردم: حزب کمونیست در گرد آوردن این نیروها چه نقش و سهمی داشت؟

وَنسان بوله: حزب کمونیست نقش و سهم تعیین‌کننده‌ای در تشکیل جبههٔ مردمی نوین داشت. این حزب در حالی که در راستای هدف استراتژیک خودش برای جلب بیشترین نیروهای اجتماعی و سیاسی جدید به حزب بر اساس دگرگونی‌های بنیادی در برنامه‌اش عمل می‌کند، به تکثرگرایی موجود در چپ نیز احترام می‌گذارد. حزب کمونیست فرانسه در سی و نهمین کنگره‌اش (در آوریل ۲۰۲۳) بار دیگر بر این سمت‌گیری تأکید کرد و نوشت: "به همین دلیل است که ما به تمام نیروهای چپ و اکولوژیست فراخوان [همکاری] داده‌ایم. ما از اینکه نخستین نیرویی باشیم که با دولت مخالفت می‌کند نمی‌توانیم خرسند باشیم. ما باید تلاش کنیم که اکثریتی مردمی را به دور جایگزینی سیاسی برای ایجاد دگرگونی‌های بنیادی اجتماعی و زیست‌محیطی گرد آوریم. حزب کمونیست فرانسه قصد دارد کارگران و زحمتکشان را حول تحول اجتماعی و دموکراتیک متحد کند و فرقه‌گرایی و هر چیزی را که ممکن است پراکندگی و تفرقه را در میان طبقهٔ کارگر تشدید کند نمی‌پذیرد، آن هم در شرایط مادّی و ایدئولوژیکی که امروزه با آن مواجه است و با آنچه ۴۰ سال پیش وجود داشت بسیار متفاوت است. این حزب با چشمداشت به تصرّف و اِعمال قدرت سیاسی در اوضاع اجتماعی و سیاسی فرانسه در سال ۲۰۲۴، در پی جلب نظر اکثریت است. حزب کمونیست فرانسه از گرایش اقلیت بودن با هدفِ ایجاد قطبی سیاسی مبتنی بر به‌اصطلاح "رادیکالیسم" که نمی‌تواند توازن قدرت اجتماعی و سیاسی را تغییر دهد خشنود نیست. خوشبختانه جبههٔ مردمی نوین تا حدّی به این خواست‌ها توجه کرده است: تلاش برای گرد هم آوردن کل چپ بر پایهٔ حمایت مردمی و با برخورداری از حمایت جنبش اجتماعی. ما خواستار تقویت حضور و مشارکت فعال مردم و جنبش اجتماعی مردمی هستیم که عاملی تعیین‌کننده در حفظ توازن قدرت در نبرد قاطع علیه طبقات حاکم و راست افراطی است که ما امروزه با آن درگیریم.

نامهٔ مردم: در نظرسنجی‌هایی که پس از دور اول رأی‌گیری صورت گرفت، پیروزی راست افراطی در دور دوم پیش‌بینی می‌شد. بین دور اول و دور دوم چه اتفاقی افتاد که جهت موج عوض شد؟ جبههٔ مردمی نوین در مبارزات انتخاباتی‌اش برای پیروزی در دور دوم از چه تاکتیک‌هایی استفاده کرد؟

وَنسان بوله: بین دو دور انتخابات پارلمانی خیزش واقعی جمهوری‌خواهی در فرانسه شکل گرفت. اثر این خیزش در مشارکت رأی‌دهندگان بازتاب یافت که در مقیاسی بود که از سال ۱۹۸۱ در انتخابات مشابه دیده نشده بود. راست افراطی که مدت‌ها تلاش کرده بود واقعیت برنامه‌اش را پنهان کند در دو دور انتخابات واقعیت پروژهٔ نژادپرستانه و تبعیض‌آمیزش را آشکار کرد. برای مثال، او [ماری لوپن] اعتراف کرد که می‌خواهد به حقوق افراد دارای تابعیت دوگانه حمله کند و سیاستی تبعیض‌آمیز علیه آنها به کار بندد. واقعیت تفکر آشکارا نژادپرستانه و یهودستیزانهٔ شماری از نامزدهای آنها نیز فاش شد. در فاصلهٔ بین دو دور رأی‌گیری، جبههٔ مردمی نوین سیاست "جبههٔ جمهوری‌خواهی" را در پیش گرفت. [در دور اول،] اگر در یک حوزهٔ انتخاباتی خاص نامزد چپ بعد از نامزد لیبرال و نامزد راست افراطی سوم شده بود، [در دور دوم] برای جلوگیری از انتخاب شدن نامزد راست افراطی، نامزد چپ از رقابت کناره گرفت.

نامهٔ مردم: اکنون که به نتیجهٔ چشمگیری در انتخابات دست یافته‌اید، گام بعدی جبههٔ مردمی نوین چیست؟ آیا حزب‌های تشکیل‌دهندهٔ این جبهه پس از انتخابات نیز به همکاری ادامه خواهند داد؟ آیا اعضای این جبهه به ماندن در آن و تدوین یک برنامهٔ استراتژیک بلندمدت برای تضمین حضور در دولت متعهدند؟

وَنسان بوله: جبههٔ مردمی نوین در انتخابات اخیر در صدر قرار گرفت. باید پذیرفت که اکثریتی که به دست آورد کاملاً نسبی است. اما این جبهه تنها نامزد قانونی برای ادارهٔ کشور بر اساس تعهدی است که به مردم فرانسه داده است. اتحادی که در صندوق‌های رأی شکل گرفت قرار است به اتحادی در دولت تبدیل شود. مانند جبههٔ متحد بین‌الملل کمونیستی در زمان خودش، هدف جبههٔ مردمی نوین نیز تشکیل دولت جبههٔ مردمی نوین است. در چند روز گذشته، حزب کمونیست فرانسه نگرانی‌اش را از نبود پیشرفت در مذاکرات میان چهار حزب عضو جبهه ابراز کرده است. ما تأکید کرده‌ایم که کسانی که منافع شخصی یا گروهی‌شان را بر منافع مردم فرانسه ترجیح می‌دهند مرتکب اشتباه سیاسی جدی و نابخشودنی می‌شوند. دیروز (۱۲ ژوییه [۲۲ تیر])، حزب کمونیست فرانسه برای باز کردن بن‌بستی که در بحث‌ها پیش آمده بود پیشنهاد کرد که خانم هوگت بِلو، رئیس شورای منطقه‌یی جزیرهٔ "رئونیون" [یکی از سرزمین‌های فرادریایی فرانسه در جنوب غربی اقیانوس هند]، نخست‌وزیر جبههٔ مردمی نوین باشد. او زنی متعهد به چپ است و به‌دلیل توانایی‌هایش در مقام دولتی مورد احترام زیادی است. ما وقت زیادی در این بحث‌ها تلف کرده‌ایم. هرچه وقت بیشتری تلف کنیم، بیشتر به‌نفع بورژوازی و نمایندهٔ آن امانوئل ماکرون خواهد بود.

این دولت [جبههٔ مردمی نوین] در روندی که بسیار دشوار خواهد بود باید بتواند نظر اکثریت را در مجلس ملی جلب کند. در نتیجه، در مواجهه با مخالفت شدیدی که از طرف راست و راست افراطی با آن روبه‌رو خواهیم شد، حمایت سندیکاها و مشارکت فعال مردمی بسیار حیاتی خواهد بود.

نامهٔ مردم: پس آیندهٔ فرانسه و دولت بعدی‌اش چگونه خواهد بود؟

وَنسان بوله: این پرسشی واقعاً مهم و اساسی است. امانوئل ماکرون با خودداری از پذیرش واقعیتی که در پای صندوق‌های رأی بیان شد، از عصر یکشنبه تلاشی را برای نوعی کودتا آغاز کرده است. او حاضر نیست شکست را بپذیرد. او برای اتلاف وقت به تاکتیک‌های تأخیری مبتذل متوسل شده است. از سال ۱۸۷۷ (زمانی که رئیس دولت وقت از به رسمیت شناختن اکثریت جمهوری‌خواهان در مجلس نمایندگان خودداری کرد) این نخستین بار در فرانسه است که یک رئیس دولت از پذیرش نتایج انتخابات خودداری می‌کند. این مسئله‌ای بسیار جدی است. ما در مرحله‌ای تازه در بحران سیاسی فرانسه هستیم و این تأخیر فقط می‌تواند به‌نفع راست افراطی باشد که فراموش نکنیم با ۱۴۳ نماینده‌ای که دارد برای کسب قدرت دورخیز کرده است. رئیس‌جمهور فرانسه روز دوشنبه دولت شکست‌خورده را "فعلاً" دوباره منصوب کرد. او روز چهارشنبه در نامه‌ای خطاب به فرانسویان با گستاخی ادعا کرد که "هیچ‌کس در انتخابات پیروز نشده است." ما رسماً از رئیس‌جمهور می‌خواهیم که به تعهداتش مطابق با قانون اساسی، و نه مانند رهبر قبیله‌ای کوچک، عمل کند و اجازه دهد که جبههٔ مردمی نوین دولت تازه را تشکیل دهد. در این نبرد برای آیندهٔ کشور، چند روز آینده روزهایی تعیین‌کننده خواهد بود. هر گونه ابراز همبستگی بین‌المللی با ما در این روند ارزنده خواهد بود. حزب کمونیست فرانسه از حزب تودهٔ ایران به‌خاطر حمایت و همبستگی تزلزل‌ناپذیرش صمیمانه تشکر می‌کند.

ادامهٔ شکست سنگین انتخاباتی ...

بازنشستگی حزب کارگر، جان اشوورث، را شکست داد، درحالی که لیان محمد، زن جوان بریتانیایی-فلسطینی، تنها ۵۰۰ رأی از آرای وزیر سایه بهداشت حزب کارگر، وس استریتینگ، در حوزهٔ ایلفورد شمالی، کم‌تر به‌دست آورد. یک نامزد مستقل دیگر طرفدار فلسطین نیز توانست حوزهٔ بلکبرن را از حزب کارگر بگیرد.

رهبر حزب "کارگران"، جورج گالووی، از مداحان رژیم ولایی [ایران] و حقوق‌بگیران تلویزیون "پرس تی‌وی" وابسته به ارگان‌های اطلاعاتی رژیم اسلام‌گرایان در ایران، کرسی حوزهٔ راچ دایل که در انتخابات میان‌دوره‌ای در بهمن‌ماه ۱۴۰۲ برنده شده بود، با اختلاف کمی از دست داد و نمایندگی این شهر در پارلمان به حزب کارگر بازگشت. نامزدهای حزب کارگران، جودی مک‌اینتایر و جیمز جایلز نیز در حوزه‌های انتخاباتی بیرمنگام، رقابت‌های تنگاتنگی با حزب کارگر داشتند.

در حوزه‌های انتخاباتی چینگفورد و وودفورد گرین، جایی که حزب کارگر در ابتدای کارزار انتخاباتی کاندیدای پیشرو، یعنی فائزه شاهین را حذف کرد و او را مجبور کرد تا همچون فردی مستقل نامزد شود، او و نماینده رسمی تحمیلی حزب کارگر، شامه تاتلر، آرا را به دو نیم تقسیم کردند. هر دو بیش از ۱۲٬۰۰۰ رأی کسب کردند و این امر به رهبر سابق حزب محافظه‌کار، ایان دانکن اسمیت، این فرصت را داد تا بار دیگر انتخاب شود، انتخابی که شش هفته پیش، قبل از حذف بی‌رحمانه و احمقانه فائزه شاهین از سوی رهبری حزب کارگر، از رسیدن به آن ناامید شده بود.

«جبههٔ متحد نوین» چپ فرانسه ماکرون را برای کسب قدرت به چالش می‌کشد!

با توجه به نتایج کم سابقه دوردوم انتخابات مجلس ملی فرانسه که نیروهای چپ فرانسه در آن اکثریت نسبی را کسب کرده اند، "نامه مردم" از رفیق وَنسان بوله عضو رهبری و دبیر شعبهٔ بین‌المللی حزب کمونیست فرانسه دعوت کرد که در مصاحبه ای به چند سوال مهم در مورد تحولات هفته های اخیرپاسخ داده و مواضع "جبههٔ متحد نوین" را توضیح دهند. مشروح سخنان رفیق وَنسان بوله در ادامه برای اطلاع خوانندگان نامه مردم منتشر می شود:

نامهٔ مردم: لطفاً به‌طور خلاصه بگویید که چرا و چطور نیروهای راست افراطی در فرانسه توانستند چنان پُرقدرت در انتخابات پارلمانی اروپا و سپس در دور اول انتخابات پارلمانی فرانسه، پس از آنکه امانوئل ماکرون پارلمان را منحل کرد، ظاهر شوند؟

وَنسان بوله: راست افراطی پدیدهٔ تازه‌ای در فرانسه نیست. بیست و دو سال پیش این جریان به دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری رسید. اما اکنون به نتایج بی‌سابقه‌ای دست یافته است. در ۷ ژوییه [۱۷ تیر]، در دور دوم انتخابات پارلمانی فرانسه، راست افراطی از نظر تعداد کرسی‌هایی که به دست آورد در ردهٔ سوم قرار گرفت، اما از نظر تعداد کل آرا در صدر بود و توانست بیش از ۱۰میلیون رأی به دست آورد. ظهور راست افراطی در فرانسه، همچنان که بقیهٔ اروپا شاهدیم، علت‌های متعددی دارد که چپ باید بی‌درنگ به ریشهٔ آنها بپردازد: پراکندگی بی‌سابقهٔ اجتماعی و سرزمینی پس از ۴۰ سال اجرای سیاست‌های نولیبرالی، تخریب بافت همبستگی محلی، ترس از بدتر شدن وضع در برابر جهانی‌سازی نولیبرالی، پیروزی‌های ایدئولوژیک محافظه‌کاران و طبقات حاکم که این فکر را به اذهان عمومی تحمیل کرده‌اند که پیشرفت اجتماعی دیگر موضوعیت ندارد، مسائل و نگرانی‌های مبتنی بر سیاست‌های هویتی، شکست خوردن چپ و جنبش کارگری و غیره. اکنون بخشی از بورژوازی توسل به اقتدارگرایی را راهی برای خروج از بحران سرمایه‌داری می‌بیند. ما باید به واقعیت پروژهٔ راست افراطی آگاه باشیم که صرفاً عوام‌فریبی و "پوپولیسم" نیست، بلکه نابود کردن برابری حقوق تک‌تک شهروندان از راه تبلیغ "اولویت ملی" است. می‌خواهند جامعهٔ فرانسه را بر پایهٔ بیگانه‌هراسی بازسازی کنند و در نتیجه میراث روشنگری و انقلاب فرانسه را زیر سؤال ببرند.

نامهٔ مردم: فکر ایجاد "جبههٔ مردمی نوین" (NPF)از کجا آمد؟ آیا سابقه‌ای در فرانسهٔ پس از جنگ جهانی دوم دارد؟

وَنسان بوله: پیشنهاد "جبههٔ مردمی نوین" درست در زمانی مطرح شد که امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه که ائتلافش در انتخابات اروپا در ۹ ژوئن [۲۰ خرداد] شکست خورد، اعلام کرد که مجلس ملی را منحل خواهد کرد. تشکل این ائتلاف پاسخی بی‌سابقه به وضعی بی‌سابقه در فرانسه بود. همچنین، برآمده از تحلیل علت‌های شکست "اتحادیهٔ نوین اکولوژیک و اجتماعی خلق" (NUPES)بود. این اتحادیه یک ائتلاف انتخاباتی چپ [به رهبری لوک ملانشون] در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۲ بود که فقط توانست ۱۵۰

کرسی از ۵۷۷ کرسی نمایندگی را به دست آورد و نتوانست ائتلاف لیبرال-محافظه‌کار ماکرون را برای کسب اکثریت، یا برای جلوگیری از ظهور راست افراطی، به چالش بکشد. این بار، در جبههٔ مردمی نوین، دو عنصر تازه دخیل بود. یکی فوریت و جدیّت اوضاع، همراه با خطر آشکار به قدرت رسیدن راست افراطی بود. امروزه آنچه در خطر است خودِ جمهوری است. دوم اینکه این جبهه از حمایت سندیکاهای کارگری برخوردار است. کنفدراسیون‌های بزرگ سندیکاهای کارگری مانند ثژت (CGT) به‌صراحت خواستار رأی دادن به جبههٔ مردمی نوین شدند، چیزی که در چند دههٔ گذشته دیده نشده بود. حمایت ائتلاف کنفدراسیون‌های سندیکاهای کارگری پس از انتخابات برای ایجاد دولت جبههٔ مردمی نوین نیز حمایتی مهم و اساسی در نبرد دشواری است که چپ به پیش می‌برد.

نامهٔ مردم: روند گرد هم آوردن همهٔ این حزب‌های متفاوت در چنین مدت کوتاهی چه بود؟

وَنسان بوله: در مدت چند روز و چند شب، چهار حزب اصلی چپ (حزب کمونیست فرانسه، حزب سوسیالیست، فرانسهٔ تسلیم‌ناپذیر، و اکولوژیست‌ها) گرد هم آمدند و بر سر یک برنامهٔ انتخاباتی مشترک و توزیع نامزدها در حوزه‌های انتخاباتی مذاکره و توافق کردند برای اینکه در هر حوزه از ۵۷۷ حوزهٔ انتخاباتی کشور، فقط یک نامزد از جبههٔ مردمی نوین شرکت داشته باشد. برنامهٔ انتخاباتی جبهه شامل اقداماتی فوری برای بهبود اوضاع اجتماعی و بازسازی دموکراتیک است، از جمله: لغو قوانین واپس‌گرایانهٔ ماکرون مانند افزایش سن بازنشستگی، یا تعهد به افزایش حداقل مزد به ۱۶۰۰ یورو خالص در ماه، و بازگرداندن مالیات بر ثروت که ماکرون لغو کرده است. اجرای این برنامه زمان‌بندی مشخصی نیز دارد: اقدامات فوری؛ اقداماتی که در صد روز انجام خواهد شد؛ و اقدامات بلندمدت. بحث‌ها و گفت‌وگوهای ما همیشه آسان نبوده است، اما آنچه بر جوّ گفت‌وگوها غالب بوده نیاز مبرم به رسیدن به توافق بوده است. اگر به توافق نرسیده بودیم، برای مردم فرانسه مفهوم و پذیرفتنی نمی‌بود. هزینه‌های اجرای این برنامه و تأمین بودجهٔ آن نیز مشخص است. جبههٔ مردمی **ادامه در صفحهٔ ۱۵**

کمک‌های مالی رسیده

به یاد رفیق علی خاوری صدای حقانیت حزب از برلین	۶۰۰ یورو
به یاد رفیق سهراب شهید ثالث از آلمان	۷۰ یورو

آدرس پستی: B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس سایت حزب: http://www.tudehpartyiran.org
ای-میل حزب: E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de
تلگرام حزب: https://t.me/tudehpartyirandotorg
فیس بوک حزب: https://www.facebook.com/profile.php?id=100064514717426
توییتر حزب: https://x.com/OfficialTudeh

For Peace, Independence, Democracy, Social Justice and Socialism

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

"Nameh Mardom" No. 1212, 15 July 2024
Central Organ of the Tudeh Party of Iran